

کنم نمیتواند در سابق ما يك شورای عالی معارف داشتیم و مدت ده دوازده سال هم بود کم و بیش کار میکرد اما آيا اين شورای عالی معارف يك صکار فوق العاده میکرد خير هفته یکساعت جلسه داشتیم و در آن یکساعت هم اغلب شررا اکثریت پیدا نمی کرده بلی آقایان اعضاء خیلی میل داشتند برای معارف کار کنند ولی کارهایی را که جزو وظایفشان بود در مقابل آن اجر می گرفتند مقدم می داشتند و باین ملاحظه شاید در ماه يك جلسه بیشتر نداشتیم ولی باز تکرار میکنم شورای عالی معارف باید کما فی السابق از محصلین تشکیل شود بنده اسامی اشخاصی را که در آن دوره متخصص بودند عرض میکنم آقای ذکاء الملک - دکتر ولی الله خان - امیر اعلم - حاج سید نصرالله و یک عده اشخاص دیگری که خودشان حقیقه معلوم یا متخصص در فن بودند این قسم سئوالات اگر خاطر آقایان باشد در آن مجلس شد و تمامش با ادله و برهان رد شد و گفتیم عده نمیتوانیم تعیین کنیم زیرا عده متخصص معلوم نبود وزارت معارف میل داشت هر قدر متخصص میتواند برای نوشتن پروگرام ها جمع کند و پروگرام ها را بطور صحیح ترتیب دهد ولی متخصص معلوم نبود آن روز جواب منفی باین موضوع داده شد حالا من نمیدانم از روی چه فلسفه و از روی چه تغییراتی ما امروز آمده ایم و عده ثابتی برای شورای عالی معین میکنیم بنده همان جوابی را که آن روز بسمت مخبر کمیسیون معارف می دادم امروز هم عرض می کنم چه لازم است دست دولت را به بندند و بگویند ده نفر عضو قبول کن و اگر يك متخصص بازدهی پیدا شد آنرا قبول نکن راجع بخصوصیات این اشخاص هم باز از شخص بنده و آقای معاون سئوالات شد و اگر خاطر محترم آقایان اعضاء باشد نتوانستیم شرایط جامعی برای اعضاء شورای عالی معارف روی کاغذ بیاوریم زیرا از يك طرف وجود متخصص و از طرف دیگر متخصص زیادی نداشتیم حالا برای این که جای متخصص را پر کنند آمده اند لفت دانشمندان را وضع کرده اند و پنج نفر عده آنها را معین نموده اند دو نفر آنها از معلمین مدارس عالی و متوسطه هستند بنده از آقایان می پرسم این مدارس عالی کجا است مدرسه حقوق است مدرسه دارالفنون است مدرسه سیاسی یا مدرسه سیروس مدرسه هالی کرده است بنده نمی دانم مدرسه عالی کدام است پنج نفر از دانشمندان را هم بنده نمی دانم یعنی چه و یقین دارم هر بدبختی که بخواهد این قانون را اجرا کند نخواهد فهمید دانشمندان

یعنی چه ؟

آیا دانشمندی کسی است که الف بای فارسی را خوب می داند ؟ یا کسی است که سیاست مملکت اطلاع داشته باشد یا اینکه باید هیشتی از ادباء و شعرا را جمع کنند و آنوقت پنج نفر از میان آنها انتخاب کنیم تازه وقتی که آن پنج نفر آمدند و نشستند معلوم می شود که از پروگرام مدارس اطلاع ندارند و آنوقت مجبورند بروند از اطراف چند نفر متخصص بیاورند و از متخصصین بعضی اطلاعات حاصل کنند ماده چهارم می گوید باید خدمات نمایان بمصارف مملکت کرده باشند آیا این خدمت را خدمت مادی می دانید یا خدمت اخلاقی ؟

آیا اگر بنده متمول بودم و صد هزار تومان برای امور معارف در طهران می دادم آیا این نسبت بمعارف خدمت بزرگی نیست ؟ آنوقت بنده حامی را برای اینکه خدمت بمعارف کرده ام میرند و می گویند دستور برای مدارس بنویس آیا این منطقی است ؟

(جمعی گفتند بلی)

بنده جواب نمی خواهم و بعد از اتمام نطق خودم از درب اطاق بیرون می روم که جواب هم نشنوم اینها چیزهایی بود که در ماه شعبان ۱۳۲۸ بنده در کرسی نطق عرض می کردم و امروز هم همین عرض را می کنم که این قانون مسبب تشکیل شورای عالی مصارف نخواهد شد این قانون را هم باید بوسید و گذاشت نزد سایر قوانین که از مجلس شورای ملی گذشته و اجراء نشده است

دیگر اینکه راجع بانتخاب اعضاء آقایان می گویند وزیر باید انتخاب کند بنده هم می گویم البته باید وزیر اعضاء را انتخاب کند ولی متأسفانه در ماده نهم نقیض آن را می نویسد که اگر در حین عملیات شورای عالی معارف یعنی در آن چهار سال یکی از اعضاء فوت کند یا استعفاء دهد خود شورای معارف بوزیر معارف چند نفر را پیشنهاد می کند و وزیر هم مجبور است از میان همان ها انتخاب نماید حالا بنده متأسفانه از آقایان سئوال می کنم این دو ماده قانون ناقص یکدیگر نیست ؟

(بعضی گفتند خیر)

بعقیده بنده ناقص است در ماده سوم شما وزیر را برای انتخاب اعضاء مختار میکنید و در ماده دیگر در همان موضوع بدبختی اختیار می دهند

آقای میرزا آشتیانی - در مجلس شورای ملی هم منظور است

وحیدالملک - بلی همین طور است ولی آن يك امر سیاسی است سابق هم بود و بمجلس شورای ملی حق داده شده

بود ولی خود آقایان تصدیق می کنند که این مسئله مخالف با فلسفه انتخاب بود بلی مدت سه ماه که انتخاب در ولایات ممکن نیست تمام شود این حق را بمجلس داده ایم ولی برای رفع مشکل و معضوری است والا خودتان تصدیق می فرمائید که این قسم انتخاب مخالف اصول مشروطیت و اصول قانون انتخابات است در این مورد انتخاب کننده وزیر است نه اعضاء شورای اگر شما وزیر را منتخب قرار می دهید پس دیگر چرا بمنتخب حق می دهید بنده در این صورت مخالف هستم و بنظر بنده این یازده ماده که آقایان ملاحظه می فرمایند تمام راجع بنظامنامه داخلی شورای معارف است این قانون دو موقع تولید بعضی معظورات و مشکلات می کند و چنانکه عرض کردم این یازده ماده باید جزو نظامنامه داخلی محسوب شود و با آقای وزیر معارف است که يك نظامنامه داخلی بنویسد و ملت دولت اعضاء نموده بموقع اجرا بگذارند حالا آمدم سر ماده و هم قانون تشکیلات وزارت معارف آقای مخبر محترم که ممکن نیست بنده در علم و سابقه ایشان راجع بمعارف مملکت تردیدی داشته باشم در ماده دهم آن قانون ابراداتی فرمودند یکی اینکه فرمودند حل غواض امروز یعنی چه ؟ و هر يك از اعضاء کمیسیون امروز حاضر باشند معنی این کلمه را نمی فهمند بنده عرض می کنم من یکی از همانها هستم در موقعی که آقای فرمایش می فرمودند در جای خودم بیست و يك فقره غواض امور معارف را نوشته ام آنها را می خوانم و ممکن است برای هر يك يك ساعت توضیح دهم و ثابت کنم جزو غواض امور معارف است

رئیس - اگر مفصل است پس بماند برای جلسه دیگر

وحیدالملک - بلی مفصل است و بنده یکساعت دیگر عرض دارم

رئیس - چون مدتی از شب گذشته بقیه نطق آقای وحیدالملک می نمایند برای جلسه دیگر

(بعضی گفتند صحیح است)

وحیدالملک - چون آقایان خسته شده اند می فرمایند صحیح است

رئیس - فرمودید بیست و يك فقره غواض امور معارف است و در هر کدام يك ساعت توضیح خواهید داد

وحیدالملک - خیر تمام عرایض بنده یکساعت وقت لازم دارد

رئیس - جلسه آتی روز شنبه سه ساعت بغروب خواهد بود و دستور آن اولاً بقیه مذاکرات راجع بقانون شورای عالی معارف

ثانیاً - راپورت کمیسیون بودجه راجع بمستمریات اشخاصی که در ادارات

هستند.

شیخ الاسلام اصفهانی - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

شیخ الاسلام - وعده فرمودید لایحه الحاق آب کارون بزیانده رود تحت شورائی برود و لایحه اش هم طبع و توزیع شده است

رئیس - لایحه طبع و توضیح شده است ولی اعتراضاتی که پیشنهاد شده بود هنوز طبع نشده

مدرس - ضمیمه شده است

رئیس - راپورت را میفرمائید مدرس - همین که امروز توزیع کرده اند

رئیس - راپورت غیر از اعتراضات است اعتراضات هنوز طبع و توزیع نشده آقای آقا میرزا محمد نجات

(اجازه)

آقا میرزا محمد نجات - بنده تقاضا می کنم قانون بره کشی جزو دستور باشد

رئیس - از کمیسیون برگشته آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - برای این که تکلیف مسائلی که کمیسیون عرایض بمرض آقایان رسانده معلوم شود بنده تقاضا می کنم راپورت کمیسیون عرایض جزو دستور جلسه آتی شود

رئیس در این باب مخالفی نیست

(گفته شد خیر)

رئیس جزو دستور می شود ولی باید با آقایان وزراء اطلاع داده حاضر باشند آقای مستشار السلطنه

(اجازه)

مستشار السلطنه - مرضی ندارم

رئیس - آقای ارباب کیهخسرو (اجازه)

ارباب کیهخسرو - بنده خواستم تقاضا کنم اولاً راپورت کمیسیون عرایض جزو دستور شود زیرا مسئله بزرگی است و باید تکلیفی برای عرایض مردم معین شود و این نوع مسامحه کردن برای عموم ضرر دارد قسمت دوم که خواستم تقاضا نمایم جزو دستور شود مسئله تلگرافی بود که

تجار اصفهانی راجع بمسوجات داخلی و بعضی مال التجاره ها کرده بودند این ها مسائل اساسی است و بمسائل اقتصادی ما خیلی کمک می کند و قابل توجه است قسمت سوم که سابقاً هم عرض کردم این بود که آقایان وزراء برای جواب نمی شوند يك سئوالاتی شده که گمان می کنم تأخیر جواب سبب خسارت می شود از آقای وزیر مالیه بعضی سئوالات شده که باید جواب بدهند و همچنین از آقای رئیس الوزراء بعضی

سئوالات شده است که از تأخیر آنها ممکن است ضررهائی وارد شود هیچ حاضر نمی شوند بنده نمی دانم علت اینکه از وزارت مالیه تا بحال کسی اینجا نیامده است چیست؟ اگر محظور دارند خوب است بگویند یکی هم مسئله جواهرات است که بنده سؤال کرده ام و شاید بنده و خیلی از آقایان منتظر نتیجه باشیم و بیک قسمت از آن راجع به يك جعبه جواهری بود که عرض کردم باسم عباس نام در یکی از بانکهای سوئیس سپرده شده است

رئیس - اینها که جزو دستور نیست .

ارباب کیخسرو - مقصود این است که باید آقایان وزراء بیایند و جواب این مسائل را بدهند

رئیس - چنانچه ای را جزو آن کمیسیون معین کرده اند خودشان قبول نکردید

مراسله از طرف دولت رسیده قرائت می شود

(بعضیون ذیل قرائت شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی
شیدالله ارکانه

نظر باینکه لازم است کمیسیون برای رسیدگی بجواهرات و ذخائر سلطنتی تعیین شود و هیئت وزراء نیز لازم میدانند ۳ نفر از آقایان نمایندگان از طرف مجلس مقدس شورای ملی در کمیسیون مزبور عضویت داشته باشند

لذا خواهشمند است در صورت تصویب آقای مسادات و آقای حاج شیخ اسدالله و آقای ارباب کیخسرو را لطفاً دعوت فرمائید که عضویت کمیسیون مزبور را قبول و هیئت دولت را ممنون فرمایند

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده لازم تر می دانستم قبل از اینکه اشخاص محترم مداخله کنند نظریات و اطلاعات هیئت دولت بمرض مجلس برسد

رئیس - راجع بدستور است

مستشار السلطنه - خیر راجع به همین رقمه است که باید قرائت شد

رئیس - مذاکره در دستور است آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - راجع بدستور مرضی ندارم راجع باین مراسله مرض دارم

آقا سید یعقوب - در جلسه گذشته قرار شد

هریضه آقای قوام السلطنه جزو دستور جلسه امشب شود امشب هم تکلیفش معین نشد

رئیس - جزو دستور روز شنبه

می شود آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده استدعا دارم بشعبات تأکید شود راپورت های خود را راجع بنمایندگی آقایان تقی زاده و وثوق الدوله و آقای سید ضیاء الدین را برای جلسه دیگر حاضر نمایند

رئیس - آقایان تصویب میکنند پیشنهاد آقای حائری زاده جزو دستور باشد

بعضی گفتند خیر

رئیس - پس رأی می گیریم آقایانی که تصویب میکنند این مسئله جزو دستور باشد قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد دیگر راجع بدستور اظهاری هست یا نه؟ (اظهاری نشد)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده با کاغذی که از طرف دولت رسیده مخالف هستم زیرا اخیراً می بینم هر سئوالی می کنند هر چه می خواهم فوری جوابش کمیسیون است اگر سؤال کنیم مالیه مملکت چه شده می گویند کمیسیون باید معین شود اگر بگوئیم بانک چه ترتیبی دارد می گویند باید کمیسینی معین شود جواهرات سلطنتی چه شده کمیسیون معین کنید اگر بیرسم کمیسیون جواب این است که شما کلاً با ما مشارکت کنید و دیگر صدایتان بلند نشود - صورتی که قوه مقننه و قوه مجریه از هم منفکند و باید ناظر یکدیگر باشند یکی راپورت بدهد و دیگری در آن راپورت تحقیقات کند دولت می تواند کمیسینی از اجرای دربار و مالیه هر طور بخواهند و بهر کس اعتماد دارد معین کند به نشینند رسیدگی و راپورت بدهند و البته مجلس هم حق تفتیش در کلیه اعمال را دارد و پس از اینکه دولت راپورت داد اگر مجلس خواست چند نفر از وکلا معین می کند تفتیش می کنند در خصوص سؤال آقای ارباب کیخسرو یعنی جواهرات و ذخائر سلطنتی همه ما موافق هستیم و باید دید ترتیب مالیه مملکت چه طور است و بمقیده بنده ما برای اینکه کار دولت را بکنیم معین نشده

اگر بنا باشد هر کاری را وکلا بکنند بکار وکالت نمی توانند برسند و آنوقت جواب آقایان نمایندگان هم این خواهد بود که فلان وکیل هم در آن کمیسیون بود

بنابر این باین نوع کمیسیون ها مخالف هستم و گمان می کنم ما باید کاملاً وظایف نمایندگان خودمان را انجام بدهیم و بگوئیم هیئت دولت مأمور دارد و قوه

مجریه دولت است باید تحقیقات بکنند و راپورت بدهند بعد مادر آن تفتیش کنیم گذشته از این آن کاغذ شکل خاصی هم پیدا کرده و اسامی اشخاصی را هم معین کرده اند و سه نفر مخصوص را هم اسم برده اند و هنوز از مجلس معین نشده حالا روزنامهها اعلان کرده اند که سه نفر از وکلا

برای عضویت این کمیسیون معین شده اند بنده این ترتیب را خوش نمی دانم و عقیده ام این است که نباید عضویت این کمیسیون را قبول کرد و اگر آقایان با بنده موافقت بفرمایند در جواب بدولت بنویسند قوه مجریه مسئول این ترتیبات است و باید شما خودتان ببیند جواهرات را کی برده و مالیه مملکت را کی حیف و میل کرده است بفرمایند بعد اگر ما خواستیم تفتیش کنیم مطابق قانون و حق گذاریم تحقیق کنیم والا این ترتیب تقریباً داخله در قوه مجریه است

رئیس - راجع بدستور دیگر مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس - موتهن الملك

جلسه ۷۸

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه یازدهم رجب

۱۳۴۰ مطابق پنجم برج

حوت ۱۳۰۰

مجلس تقریباً دو ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای موتهن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنجشنبه هجدهم حوت ۱۳۰۰ را آقای سهام السلطان قرائت نمودند

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده در جلسه قبل عرض نکردم که راپورت شعب راجع با آقایان وثوق الدوله و تقی زاده و سید ضیاء الدین جزو دستور بگذارند عرض کردم شعب تأکید شود که راپورت آنها را حاضر کنند و بمجلس تقدیم نمایند تا رد و قبول آنها معلوم شود

رئیس - مذاکرات راجع بدستور بود و شما تقاضا کردید جزو دستور شود آقای سید یعقوب

(اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده در جلسه قبل عرض کرده بودم که هریضه قوام السلطنه جزو دستور گذاشته شود و در صورت مجلس هیچ ذکری از آن نشده است

رئیس - اصلاح میشود آقای حاج میرزا علی محمد

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - راجع بمخالفاتی که بنده درماده کرده بودم و این

جا هیچ اشاره نشده است رئیس - این یکی هم اضافه میشود دیگر ایرادی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس باین دو فقره اصلاح تصویب شد آقای وحید الملك (اجازه)

وحید الملك - بنده می خواستم توجه آقایان را بمفاد ماده ۵ نظامنامه داخلی جلب نمایم

ماده ۵ میگوید نمایندگان می توانند در بدو یا ختم مجلس از وزراء سئالات نمایند و از موضوع سؤال باید قبل از وقت وزیر را مستحضر نمود ولی متأسفانه تا بحال بنده ندیده ام که در بدو مجلس از آقایان وزراء سئالی بشود و یا آقایان موافقت کنند خاطر آقایان وزراء باین ماده جلب شود و قرضاً اگر هم کاری داشته باشند که نتوانند در بدو مجلس خودشان حاضر شوند اقلاً آقایان معاونین را در پارلمان بفرستند تا در ابتدا جلسه سئالات بشود و بنده شخصاً ابتدای جلسه را برای سئالات بهتر میدانم برای اینکه ما در ابتدای جلسه تازه تر هستیم و قبل از اینکه داخل دستور شویم و از طول جلسه خستگی حاصل کنم بهتر سئالات میشود

رئیس - لایحه شورای عالی مطرح است مذاکرات در کلیات است در جلسه گذشته نطق آقای وحید الملك تمام نشد

آقای وحید الملك (اجازه)

وحید الملك - خاطر آقایان مستحضر است که در جلسه گذشته مجلس رأی داد که مذاکرات در حضور وزیر بشود لذا اگر آقایان صلاح میدانند عرضایش بنده بماند ناموقمی که آقای وزیر تشریف بیاورند

رئیس - نطق چنانچه عالی بقدری مفصل است که تا شروع فرمائید آقای وزیر هم تشریف خواهند آورد شما شروع فرمائید آقای وزیر هم تشریف می آورند

وحید الملك - قبل از اینکه داخل در بادهم قانون اداری معارف بشوم می خواستم يك جوابی در مقابل اظهار آقای مخبر راجع ببودجه معارف عرض کنم آقای مخبر محترم در ضمن بیان خودشان راجع بلزوم نظارت شورای معارف در بودجه وزارتخانه اظهار فرمودند که اگر شورای عالی معارف نظری در بودجه وزارت معارف داشته باشد نظیر واقعه برج قوس سال گذشته ظاهر نخواهد شد بطور اختصار عرض می کنم بواسطه این ترتیبی که امروزه در بودجه وزارت خانه ها معمول گردیده که چندین ماه بودجه آنها عقب

رئیس - این یکی هم اضافه میشود دیگر ایرادی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس باین دو فقره اصلاح تصویب شد آقای وحید الملك (اجازه)

وحید الملك - بنده می خواستم توجه آقایان را بمفاد ماده ۵ نظامنامه داخلی جلب نمایم

ماده ۵ میگوید نمایندگان می توانند در بدو یا ختم مجلس از وزراء سئالات نمایند و از موضوع سؤال باید قبل از وقت وزیر را مستحضر نمود ولی متأسفانه تا بحال بنده ندیده ام که در بدو مجلس از آقایان وزراء سئالی بشود و یا آقایان موافقت کنند خاطر آقایان وزراء باین ماده جلب شود و قرضاً اگر هم کاری داشته باشند که نتوانند در بدو مجلس خودشان حاضر شوند اقلاً آقایان معاونین را در پارلمان بفرستند تا در ابتدا جلسه سئالات بشود و بنده شخصاً ابتدای جلسه را برای سئالات بهتر میدانم برای اینکه ما در ابتدای جلسه تازه تر هستیم و قبل از اینکه داخل دستور شویم و از طول جلسه خستگی حاصل کنم بهتر سئالات میشود

رئیس - لایحه شورای عالی مطرح است مذاکرات در کلیات است در جلسه گذشته نطق آقای وحید الملك تمام نشد

آقای وحید الملك (اجازه)

وحید الملك - خاطر آقایان مستحضر است که در جلسه گذشته مجلس رأی داد که مذاکرات در حضور وزیر بشود لذا اگر آقایان صلاح میدانند عرضایش بنده بماند ناموقمی که آقای وزیر تشریف بیاورند

رئیس - نطق چنانچه عالی بقدری مفصل است که تا شروع فرمائید آقای وزیر هم تشریف خواهند آورد شما شروع فرمائید آقای وزیر هم تشریف می آورند

وحید الملك - قبل از اینکه داخل در بادهم قانون اداری معارف بشوم می خواستم يك جوابی در مقابل اظهار آقای مخبر راجع ببودجه معارف عرض کنم آقای مخبر محترم در ضمن بیان خودشان راجع بلزوم نظارت شورای معارف در بودجه وزارتخانه اظهار فرمودند که اگر شورای عالی معارف نظری در بودجه وزارت معارف داشته باشد نظیر واقعه برج قوس سال گذشته ظاهر نخواهد شد بطور اختصار عرض می کنم بواسطه این ترتیبی که امروزه در بودجه وزارت خانه ها معمول گردیده که چندین ماه بودجه آنها عقب

رئیس - این یکی هم اضافه میشود دیگر ایرادی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس باین دو فقره اصلاح تصویب شد آقای وحید الملك (اجازه)

وحید الملك - بنده می خواستم توجه آقایان را بمفاد ماده ۵ نظامنامه داخلی جلب نمایم

ماده ۵ میگوید نمایندگان می توانند در بدو یا ختم مجلس از وزراء سئالات نمایند و از موضوع سؤال باید قبل از وقت وزیر را مستحضر نمود ولی متأسفانه تا بحال بنده ندیده ام که در بدو مجلس از آقایان وزراء سئالی بشود و یا آقایان موافقت کنند خاطر آقایان وزراء باین ماده جلب شود و قرضاً اگر هم کاری داشته باشند که نتوانند در بدو مجلس خودشان حاضر شوند اقلاً آقایان معاونین را در پارلمان بفرستند تا در ابتدا جلسه سئالات بشود و بنده شخصاً ابتدای جلسه را برای سئالات بهتر میدانم برای اینکه ما در ابتدای جلسه تازه تر هستیم و قبل از اینکه داخل دستور شویم و از طول جلسه خستگی حاصل کنم بهتر سئالات میشود

می افتد این ترتیب سیستم نا مقدس کلاه کلاه در تمام وزارت خانهها برقرار شده است و این حتمی است که پس از عقب افتادن بودجه يك وزارتخانه ترتیب کلاه کلاه در آنجا برقرار میشود و از تقدیم هم این ترتیب و سیستم در وزارت خانهها معمول بوده است و شاید از اول هم بهین مناسبت دایر شده است ولی مالکی که بودجههای شان منظم است سیستم کلاه کلاه رسم نیست و ممکن هم نیست که بودجه آنها عقب بیفتد ولی در اینجا گاه میشود که نه ماه ده ماه یا زده ماه بودجه يك وزارتخانه عقب می افتد و بواسطه همین کلاه کلاه امور میگردد اما در مالک خارجه اگر ۹ ماه یکسال حقوق يك اداره عقب بیفتد بکلی امور اداری از هم میپاشد و چرخهای آن اداره بکلی از حرکت می افتد حالا اگر ما بخواهیم بودجه وزارتخانهها مرتب شود و این ترتیب کلاه کلاه از بین برود باید مالیه خودمان را اصلاح کنیم و باید يك خزانه داری مرتبی برقرار کنیم مایک اداره نظارتی تأسیس کنیم تا بتوانیم این سیستم را از میان برداریم اما بودجه معارف بد ترین بودجه بودجه هاست از نقطه نظر بی ترتیبی و بهترین بودجه ها است از برای کلاه کلاه کردن برای این که وزارت معارف يك وزارتخانه است دستی بگیرد از خودش هایدی ندارد و باید دستی بگیرد و خرج کند البته وزارت خارجه برای مصارف ضروری و فوری خودش پول لازم دارد آن مخرج از کجا باید نادیده بشود؟ در سال قوی ثیل که زمان کابینه آقای وثوق الدوله بود در ماه قریب بیست هزار تومان برای معارف معین شد و در کابینه های بعد هم يك مقداری بموجب تصویب نامه های هیئت وزراء وقت بر آن اضافه شده بود و دستور العملی که خزانه داری برای پرداخت بودجه معارف و سایر وزارت خانه ها داشت چنانکه آقایان هم مطلع هستند يك کمیسیون باسم کمیسیون تطبیق حوالجات در وزارت مالیه بود که حوالجات جدیدیکه از محل اعتبار بوزارت مالیه میرفت بایستی به کمیسیون تطبیق حوالجات برود و در آن جا سیر اداری خود را کرده بعد بخزانه داری برود و تا این حوالجات سر اداری خود را نمی کرد خزانه داری پول نمیداد و يك تفاوت ایادی مابین محاسبات وزارت معارف با خزانه داری از باب تصویب نامه ها پیدا شد تا اینکه در برج قوس گذشته در زمان فترت و قبل از کابینه سیاه خزانه داری مصمم شد که محاسبات خود را با وزارت معارف مفروق کند بدون اینکه بجوالبجاتی که بوزارت مالیه رفته بود و بدون اینکه تصویب نامه های خصوصی که از هیئت وزراء

گذشته و به کمیسیون تطبیق حوالجات رفته است منظور کنند حساب خود را خزانه داری تفریغ می کنند و يك مبلغی که مطابق حوالجات و تصویب نامه ها بود که هنوز در کمیسیون تطبیق حوالجات معطل مانده بود بخیال خودشان از وزارت معارف طلب کار شدند این بود که حقوق برج قوس گذشته را بوزارت معارف پرداختند و این مسئله را آقای وزیر بطور خوبی مسبقند و می توانند برای آقایان توضیح بدهند علاوه بر این بنده مسئول بودجه برج قوس معارف نبودم اگر چه در برج قوس گذشته بنده مسئول امور معارف بودم ولی چنانچه آقایان می دانند بودجه وزارت معارف همیشه چند ماه عقب می افتد مثلاً امروز که آقای وزیر معارف متصدی کار معارف هستند اگر چه برج قوس است ولی متأسفانه فعلاً حقوق برج قوس وجود دارد و معارف داده میشود نه حقوق برج قوس در این صورت ایشان مسئول حقوق برج قوس نیستند این مختصر توضیحی بود راجع به بودجه قوس سال گذشته ولی بطور کلی عرض میکنم مادامی که بودجه ها مرتب نیست نمی شود توقع داشت که در وزارت خانه کلاه کلاه نشود در زمان تصدی بنده فقط یک فقره خرج زیادی دارم در وزارت معارف شد آن هم سیصد تومان بود که بموجب تصویب نامه هیئت وزراء از محل اعتبار این سیصد تومان برای جشن صنایع مستظرفه خرج شده است اما راجع بمانده ده قانون اداری معارف که وظائف هیئت مشاوره را معین می کند آقای مخبر فرمودند که (حل غوامض امور معارف) يك جمله سهمی است و توضیح آن مشکل است و فرمودند حتی اعضاء کمیسیون سابق هم شاهد از عهده توضیح آن بر نیایند بنظر بنده حل غوامض امور معارف هیچ مبهم نیست بلکه خیلی هم آسان است و يك معنی های خیلی مهمی را حاضری است که بنده یادداشت کرده ام. تعیین بهترین طریق برای تدریس زبان و صرف و نحو فارسی و الف باء و غیره و این یکی از مسائل خیلی مهم است که همیشه در وزارت معارف پیش می آید و مخصوصاً این موضوع مدتی در همان شورای معارف ما مطرح مذاکره بود چندین نفر الف با های مختلف اختراع کرده بودند و يك متبدها و طریقه های مخصوصی برای یاد دادن آن الف باها نوشته بودند و از وزارت معارف تقاضا می کردند که جزء پروگرام مدارس گذارده شود و این مسئله خیلی مهم است یکی دیگر از غوامض معارف تشخیص بهترین طریق است برای مجهز کردن حب وطن در اطفال و این یکی از چیزهای خیلی مهم است که باید از زمان طفولیت حب وطن را با اطفال آموخت و این کار را باید مدرسه و

معلم و وزارت معارف بکنند آقای مخبر در ضمن فرمایشات خودشان فرمودند که تربیت اطفال با خانواده آنها است بنده هم تصدیق دارم ولی بالاخره مدرسه باید آنها را تکمیل کند این هم یکی از غوامض امور معارف بود که باید شورای معارف آنرا حل بکنند دیگر از غوامض امور معارف شناساندن و برقرار ساختن اصول حفظ الصحه و رواج دادن حفظ الصحه هموی را از راه مدارس و مکاتب و بالاخره از راه معارف تشخیص درجات تحصیلات و تدوین پروگرام برای آنها سعی در رساندن اطفال بدرجات موجه و بدرجات معین که پروگرام تشخیص می دهد تعیین طریقه نظارت کامل در امتحانات که باید يك نظارت تام و تمامی در امتحانات بشود این کارها از وظائف شورای عالی معارف است تعیین طریق نظارت کامل در اعطای دیپلمها این هم از غوامض امور معارف است پیدا کردن بهترین طریق برای توسعه دادن تحصیلات ابتدائی در میان دهاقین و تشویق کردن آنها را با امور فلاحی که یکی از چیزهای خیلی مشکل و غوامض معارف همین نکته است که دهاقین را خط و سواد فارسی بیاموزند.

بدون اینکه آنها را از راه و حرفه خودشان که طریق فلاحی است خارج کنند این مسئله هم مدتی در شورای معارف و مطرح مذاکره بود و بالاخره بجائی نرسید و فعلاً هم یکمده مدارس ابتدائی در حومه تهران مابین دهاقین تأسیس شده است ولی بدون اینکه پروگرامی مناسب حال دهاقین داشته باشد باید دهاقین را خط و سواد آموخت ولی باید آنها را محلق باخلاق دهقانی خودشان کرد.

ما که نمی خواهیم آنها را بیابیم داخل در ادارات بکنیم البته آنها را باید عمل دهقانی آموخت دیگر از غوامض امور معارف بهترین طریق برای آموختن و تعمم حرفه و صنعت میان شهری ها است همانطور که دهاقین باید خط و سواد داشته باشند و دهقان باشند همانطور هم شهرها باید خط و سواد داشته باشند و حرفه و صنعت هم بیاموزند.

تشخیص و تعیین دروس با امتحانات مخصوصه برای وصول درخدا مآت کشوری دولتی این هم یکی از غوامض امور معارف است تعیین بهترین طریق برای آموختن خط و سواد با کابر این هم یکی از چیزهایی است که نهایت اهمیت را داراست يك مملکتی مثل مملکت ما که دارای حکومت ملی است چرا با ملتش تقریباً از حلقه نوشتن و خواندن هاری باشد.

مثلاً اشخاص میروند در جلو صندوق رأی و می خواهند برای مجلس شورای ملی و کبیل انتخاب کنند و متأسفانه هم و کبیل

را بخط خود نمی توانند بنویسند یا بخوانند کی باید این بی سواد را مرتفع سازد؟ البته وظیفه شورای معارف است که يك وسیله برای آموختن و یاد دادن خط و سواد ما با کابر تهیه کند تعیین بهترین طریق برای تهیه معلم بجهت مکاتب و مدارس اهمیت این مسئله هم کم نیست و از غوامض امور معارف است که شورای معارف باید تعیین کند تعیین بهترین طریق برای ترویج کنفرانس های اخلاقی و ادبی این هم یکی از چیزهای خیلی مهم است که شورای معارف باید آنرا حل کند دیگر از غوامض امور معارف تعیین طریق نظارت در کتب و رمانهای اخلاقی و معارفی و چیز هائی است که بطبع میرسد چون وزارت معارف باید در کلیه مطبوعات اخلاقی يك نظارتی داشته باشد ولی نه بطور سانسور فکری و تهیه ترتیبات دارالفنون که این یکی از غوامض است بهترین طریق برای ترجمه و تألیف کتب مخصوصاً کتب تدریسی و کلاسیکی و این مهمترین چیزها است که امروز برای ما لازم است و مدارس و کیفیات ما محتاجند البته این کارها را وزیر معارف باید بکنند ولی وزیر معارف با نظر کی این کار را می کنند؟ با نظر شورای عالی معارف تأسیس و تشکیل انجمن های علمی و صنعتی این هم یکی از کارهایی است که باید وزارت معارف بکنند انجمن های علمی و انجمن های صنعتی را باید به نقشه و فکر شورای معارف رواج بدهد این خلاصه یادداشت هائی بود که راجع بقدره اول از ماده دهم شده است ولی در همین زمینه باز قانون اساسی معارف مورخه ۵ شنبه دهم ذی قعدة ۱۳۲۹ موادی برای همین فقره معین می کند که نمونه غوامض معارف را از روی همان مواد می توانیم استنباط کنیم

در ماده دوم آن قانون می گوید پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می گردد و باید در پروگرام جلسه علمی و صنعتی و نشر و نمای بدنی ملحوظ باشد ماده چهارم میگوید:

طریق تحصیل آزاد است لیکن هر کس باید آن اندازه از معلوماتی را که دولت برای درجه ابتدائی معین نموده تحصیل کند دولت کی است؟ همان وزارت معارف است وزارت معارف هم بتوسط شورای معارف درجه تحصیلات را معین میکند ماده ششم می گوید مکاتب و مدارس بر دو قسم است رسمی و غیر رسمی رسمی آنست که از طرف دولت دایر شده باشد غیر رسمی اینکه بانی مخصوص داشته باشد پس مدارس رسمی که از طرف دولت دایر می شود البته دولت همان وزارت معارف است و باید در تحت نظر شورای عالی معارف باشد (در فقره دوم ماده دهم می نویسد بنای مدرسه را موافق ملاحظات حفظ الصحه که از طرف وزارت

معارف مقرر شده است فرا هم می نماید پس لایحه شورای معارف باید در حفظ الصبحه مدارس نظر داشته باشد

ماده سیزدهم می نویسد مدارس که از اموال اوقاف دائر است نیز از حیث امور اخلاقی و حفظ صحی ترتیب تعلیمات و امتحانات و غیره تا اندازه که با فرض واقف موافقت کند در تحت نظارت وزارت معارف است ماده چهاردهم میگوید وزارت معارف باید تدریس کتبی را که مضر با اخلاق و دین محصلین است ممنوع نماید کتبی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه نباید تدریس بشود یکی دیگر از کارهایی که باید شورای معارف بکند این است که در ماده شانزدهم می نویسد ما هر یک از مکاتیب و مدارس چهار گانه پروگرام مخصوص قانونی خواهد داشت و وزارت معارف مسئول اجرای آن پروگرام ها است این پروگرام ها را شورای معارف باید تهیه کند در ماده ۱۸ بنویسد وزارت معارف ترتیب درجات و مراتب تحصیل را معین نموده برای هر کدام امتحانات و تصدیق نامه ها بر قرار خواهد نمود که دخول در خدمات دولتی موقوف بداشتن تصدیق نامه ها خواهد بود پس این کار هم از وظایف شورای معارف است در ماده (۲۰ و ۱۹) راجع به بر قرار کردن مدارس و شکایت دهقانی بنویسد و این هم از وظایف شورای معارف است تمام این موادی که خوانده شد رسیدگی بر آن ها از وظایف شورای عالی معارف است که در تحت عنوان ماده دهم قانون اداری معارف که وظائف همیشه مشاوره را معین می کند مندرج است و اینکه دو فقره دوم این ماده می نویسد تسویه اختلافات بین شکایات و مدارس و آقای مغیر اعتراض فرمودند (که چرا اختلافات را منحصر بمکاتب و مدارس کرده در صورتیکه ممکن است بین دومدرسه یا دو مکتب هم اختلاف پیدا شود) بنده عرض می کنم اینطور نیست و منحصر نشده است بمکاتب و مدارس و این (واو) و او عطف است یعنی تسویه اختلافات حاصله بین مدارس و اختلافات حاصله بین مکاتب باری مثلا در فقره سوم می نویسد رد و قبول تالیفات معلنه برای مکاتب و مدارس این هم از وظایف شورای معارف است که در این لایحه جدید هیچ اسمی از آن برده نشده است یعنی بنده نتوانستم بفهمم که در کدام فقره است

قدین - در فقره هفتم از ماده دوازدهم نوشته شده است

و حیال الملك - فقره هفتم تطبیق تالیفات مخصوصه بمدارس بادستورات رسمی در رد و قبول آنها بلی ممکن است این مسئله چنانچه آن ماده شده باشد فقره چهارم از ماده دهم می نویسد بامشورت در تدارک نواقص تعلیمات و لوازم تحصیلات ثلاثه از

وجوه اعانه و غیره و ترجیح بمضی تدارکات بمقتضیات حال و این قسمت خیلی اهمیت دارد و در لایحه جدید نوشته نشده است و بنده هیچ دلیلی نمی بینم که این ۶ فقره که در تحت عنوان ماده ده این قانون نوشته شده حذف شود و بجای آن ماده ۱۲ این لایحه نوشته شود راست است در ماده دوازدهم پیشنهادی کمیسیون هم چند فقره از وظایف شورای معارف را ذکر کرده است مثلا فقره دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و نهم و یازدهم اینها هم است ولی بعضی از آن فقراتی که بنده خواندم و خیلی هم مهم است حذف شده مثلا موختن خط و سواد با کابر در اینجا هیچ ذکر از آن نشده است از ترتیب مکاتب دهقانی هیچ ذکر نشده و حال اینکه خیلی مهم و لازم است که اینک در ماده ۱۵ قانون اساسی معارف مخصوصا مدارس و مکاتب را بچهار نوع تقسیم می کند اول مکاتب ابتدائی دهکده را می نویسد در صورتیکه برای تعلیم و تعلم فقرا و وضعقا بهترین وسیله همین مکاتب است چنانچه در ماده ۲۵ که می نویسد مکاتب و مدارس مجانی که بخرج دولت اداره می شود مقصود همین مکاتب دهقانی است و در این لایحه هیچ ذکر از این نشده است اگر مقصود از مدارس ابتداء که در این لایحه نوشته شده است همین مکاتب است پس آنوقت هیچ اسمی از مکاتب بلیدی در آن برده نشده دیگر آنکه برای تعیین بهترین طریق به جهت نمو اخلاقی اطفال در این لایحه هیچ ذکر نشده است

همچنین راجع بامتحانات و طریقه تحصیل برای حاضر کردن مستخدم بجهت دولت در این هیچ ذکر نشده است و هکذا راجع بنظارت اخلاقی در چیزهایی که طبع می شود از این هم اسمی برده نشده است این است که بعقیده بنده ماده دهم قانون اداری معارف جامع تر است و چه چیزهایی را شامل است که در این لایحه ذکر از آنها نشده است بعلاوه از ماده یک تا ماده یازده این لایحه هم راجع بنظام نامه داخلی شورای معارف است (چنانچه در جلسه قبل هم عرض کردم) و اینها چیزهایی هست که اسباب تسهیل کار و تأسیس شورای معارف شود بلکه بمکس جلوگیری از تأسیس شورای معارف خواهد کرد مثلا می نویسد اعضا شورای عالی معارف که و که و پنج نفر دانشمندان مملکت بعقیده بنده فقط دانشمند سهل و ساده کافی نیست یا مسئله آنجا که می نویسد (ریاست شورای معارف یا وزیر است) این ماده زائد است و ماده قانونی لازم ندارد که ریاست شورای معارف را بوزیر بدهیم مثلا ماده هشت معقفا جزء نظامنامه داخلی شورای معارف است می نویسد شورای عالی معارف دارالانشاء

دائمی خواهد داشت یا مثلا ماده نهم که اعضاء دارالانشاء را معین می کند که یک رئیس و چند منشی و ضباط و فلان و فلان خواهد داشت در صورتیکه من خودم بوده ام و می دانم که یک نفر رئیس و یک نفر منشی هم کافی بلکه زیاد است بعلاوه اینها چیزهایی است که باید نظامنامه داخلی شورای معارف آن ها را معین کند و مربوط بقانون نیست بنده گمان می کنم که اگر این قانون بساین ترتیب بگذرد و فقط یک نتیجه خواهد داشت و آنهم این است که یک عده مز و صندلی بر میز و صندلی های وزارت معارف افزوده خواهد شد مثلا ماده دهم می نویسد اساس شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست

این یک چیز غریبی است از چه نقطه نظر تعطیل بردار نیست و تا کتون در هیچ قانون یک چنین چیزی نوشته نشده است و نیز چنانچه عرض کردم ماده یازدهم و پنج باهم متضادند زیرا در ماده پنج می نویسد وزیر منتخب اعضاء است ولی در ماده یازده بنمود اعضاء شورای معارف حق انتخاب میدهد یک مسئله دیگر هم هست که خالی از اهمیت نیست و آن راجع بمجانی بودن اعضاء است یک شورای عالی معارف باین وظائف که در ماده دوازدهم برای آن معین می کند تشکیل بشود و مجانی هم باشد بنده که نسبت باین شورای معارف خوش بین نیستم که یک نتیجه مطلوبی بدهد شورای معارف باید مرکب باشد از یک عده اعضائی که آنها بطور مستقیم یا غیر مستقیم یک مناسباتی با معارف داشته باشند و چنانچه قبلا هم عرض کرده ام اعضاء شورای معارف ازلا از نقطه نظر تخصیص ثنائی از نقطه نظر سابقه خدمت و غیره باید اشخاصی باشند که مربوط بمعارف باشند تا اینکه وزارت معارف بتواند از وجود آنها استفاده کند بنده با این ترتیبی که این قانون پیشنهاد می کند عقیده ندارم که یک عده مثلا مثل دانشمندان از خارج بیآورند که مجانا و بلاعوض این وظایف را انجام دهند بنده که خوش بین نیستم شاید آقای وزیر معارف و کمیسیون خوش بین باشد

بنده گمان نمی کنم ماده دو و چهار و هفت یک موادی باشند که شورای عالی معارف برای ما تشکیل داده که وظایف مندرجه در ماده دوازده را تضمین کنند در شورای معارفی که قبلا ما داشتیم نظر ما این بود که تاحدی از شورای اداری معارف را هم بکنند و اینکه برای اعضاء آن تکالیفی معین نکردیم برای این بود که مطمئن نبودیم بتوانیم با این ترتیبات یک شورای معارفی تأسیس کنیم و امروز هم بنده مطمئن نیستم که با این ترتیبات بتوانند موفق بتأسیس شورای عالی معارف بشوند شورای معارفی که ما داشتیم مرکب بود از

یک اعضائی که (گرچه مناسبات و روابط با معارف داشتند) ولی اشخاصی بودند که در خارج در ادارات دولتی هم مشغول کار بودند و هفته یک ساعت روزهای چهار شنبه قرار بود شورای معارف تشکیل شود روزهای چهارشنبه را به یکشنبه و یکشنبه را به پنجشنبه تبدیل و بالاخره بواسطه جمع نشدن آقایان شورای معارف تعطیل شد بنده تقصیری هم متوجه آن آقایان نمی دانم زیرا اینها یک عده اشخاصی بودند که حقیقتا یک خدمات شایانی بمعارف کرده بودند ولی آن آقایان چون در جا های دیگر هم یک وظایفی داشتند که در مقابل انجام آن وظایف حقوق می گرفتند و ناچار آن کار را بر شورای معارف مقدم میداشتند لذا شورای معارف بواسطه جمع نشدن آقایان تعطیل شد حالا اگر وزارت معارف بتواند موفق شود که باین ترتیب شورائی تشکیل بدهد که وظایف ماده دوازده را انجام داده و بموجب ماده سیزده رأی این شوری هم حتمی الاجرا باشد و بموجب ماده دهم اساس آن تعطیل بردار نمی باشد این یک چیزی است که خارج از بدبینی شده است ولی آنچه که تجربیات گذشته نشان می دهد مواد اینگونه قوانین در موقع عمل متضاد یکدیگر خواهد بود و بنظر من ماده ده و هفت و سیزده و کلیه فقرات ماده دوازده باهم متضادند و نظر باین هرایضی که کردم این لایحه که از کمیسیون آمده و دوشور هم در آن شده اولاً جامع نیست که سابق عملی نخواهد بود و بعقیده بنده همان ماده ۱۰ قانون اداری معارف یک ماده جامعی است و تمام وظائفی که در ماده دوازده این قانون ذکر شده تمام آنها را متضمن است و علاوه بر این گمان می کنم چیزهای دیگری را هم دارا است که در این لایحه ذکر از آنها نشده است و ضمنا هم بعمل و اجرا نزدیک تر است اگر ما درست در آنها دقت داشته باشیم و همانرا اجرا کنیم گمان می کنم بهتر باشد بعلاوه یکی دو فقره از وظایفی در اینجا ذکر شده است بعقیده من از وظایف مسلمه شورای معارف نیستند مثلا (تصویب اعطای نشان علمی مطابق نظامنامه مخصوص) این یک چیزی نیست که جزء وظائف مسلمه شورای عالی معارف باشد و همچنین رسیدگی ببودجه وزارت معارف یک چیزی نیست که داخل وظائف شورای معارف باشد بودجه معین می شود دولت برای وزارت معارف معین می شود و دیگری بولهای فوق العاده است که از هدایا و موقوفات بمعارف میرسد در طریق ثانوی یعنی وجوهی که فوق العاده بمعارف میرسد در آن وجوه شورای عالی معارف می تواند نظری داشته باشد ولی در بودجه مصوبه مجلس شورای ملی البته شورای معارف

نمی تواند نظری داشته باشد و اینکه در قانون اداری وزارت معارف در فقره دوم از ماده نهم راجع بوظائف محاسبات می نویسد (ترتیب صورتهای ماهیانه از برای هیئت شورای معارف و صورت های ششماهه در روزنامه) که یکی از وظایف اداره محاسبات را تهیه صورت و راپورت ماهیانه معین کرد مراد بود چه فوق العاده است که برای معارف ذکر شده ولی رسیدگی بکلیه بودجه ها از وظایف محققه وزیر است و وزیر هم بر طبق قانون باید بمدير کل رجوع نماید و همچنین در آخر فقره نهم از ماده دوازده این لایحه که می گوید اصلاح مکتب خانه ها از وظایف شورای عالی معارف است بنده معتقد هستم و شورای معارف در اجرائیات نباید دخالت کند.

اصلاح مکتب خانه ها از وظایف وزارت معارف است ولی آنجا در جزو وظایف شورای معارف معین شده است فقره دوم از ماده دوازدهم که می نویسد: سعی در تهیه موجبات تکثیر مدارس و تدارک مقدمات تعلیم اجباری و مجانی این مسئله در قانون تشکیلات معارف جزو وظایف وزیر معارف معین شده است و در اینجا جزو وظایف شورای معارف نوشته شده است در هر صورت نظر بمراعات فوق الذکر این لایحه اسباب تسهیل حل غوامض امور معارف نخواهد بود و علاوه بر این که بنا بر این ترتیب شورای معارف تشکیل نمی شود قانون اداری معارف را هم که یکی از مهمترین و عملی ترین قوانین موضوعه مجلس دوم است از میان خواهد برد و ما نباید این کار را بکنیم و باید قانونی را که فعلاً گذرانده ایم بموقع اجرا بگذاریم و چنانچه عرض شد در سه گذشته آن قانون بموقع اجرا گذارده شده و فقط چیزی که از آن قانون بموقع اجرا نیامده است تشکیل هیئت شورای معارف بود که هنوز بموقع اجرا نیامده است و ممکن است وزارت معارف يك نظامنامه صحیحی برای شورای معارف ترتیب دهد و آن نظامنامه را بمکمیسیون معارف بفرستند و پس از آنکه کمسیون معارف تصویب کرد بنظر هیئت دولت برسانند.

آنوقت آن هیئت شورای معارف را مطابق آن تشکیل دهند آنوقت آن هیئت شوری با وظایف ششگانه که در ماده دوم قانون ذکر شده است يك هیئت خواهد بود که از برای معارف امروزه کار خواهد کرد و فوائدی که از يك شورای عالی معارف صحیح گرفته شود از آن هیئت گرفته خواهد شد.

تدین (مخبر) — حقیقه از بیانات مفصله که ناطق محترم فرمودند کاملاً معنی غوامض امور معارف معلوم شد بجهت این که تمام بیاناتشان يك جزو از مصداق غوامض

معارف بود

بنده اگر بخواهم بطور تفصیل فردا فرد از جمله هائی را که ایشان فرمودند جواب عرض کنم تصور می کنم که هیچ لزومی نداشته باشد (گفته شد صحیح است) و تکرار مکررات است و حکمیت آن فقط بافکار نمایندگان محترم و اگر میکنم ولی بطور خلاصه و اختصار بعضی از جمله هائی که یادداشت کرده اند جواب عرض می کنم قبل از آنکه داخل در میان جواب شوم يك نکته را متذکر میشوم و آن این است که در جلسه گذشته ناطق محترم در ضمن بیاناتشان فرمودند بعد از آنکه نقطه تمام شد دیگر برای شنیدن جواب حاضر نیستم و بیرون خواهم رفت.

ولی حالا خیلی متشکر شدم که برخلاف اظهار پیررویشان از مجلس خارج نشدن بلی اطاله صحبت و تمدید وقت یکی از نکات و رلهائی است که خطبا دارا هستند و بنده هم چون در این کلاس درس خوانده ام و این درس را هم خوانده ام ولی امروز نمی خواهم داخل در این خط مشی بشوم.

قسمت اول از بیانات ایشان مشتمل بود بر تاریخ کمسیون معارف دوره دوم و معرفی اعضاء کمسیون و البته در نقل این مسئله نظری داشتند باینکه بنده را مخوذ بجای کنند که اگر بنده يك تنقیداتی نسبت بآن کمسیون داشته باشم اظهار بکنم ایشان فرمودند که قانون معارف در دوره دوم تصویب شد و از درب مجلس بیرون رفته و از درب بهارستان خارج شده طی منازل و قطع مراحل کرده تا بوزارت معارف رسید و در آنجا بموقع اجراء گذارده شد بنده هم در جواب ایشان عرض می کنم که این قانون شورای معارف نیز انشاء الله تصویب خواهد شد و از همین فضا خارج و از درب بهارستان بیرون میرود یا از خیابان شاه آباد یا چراغ برق یا پستخانه عبور خواهد کرد و بوزارت معارف وارد خواهد شد و انشاء الله در آنجا بموقع اجراء گذارده خواهد شد بعد فرمودند که قانون تشکیلات وزارت معارف بموقع اجراء گذارده شد و در خاتمه فرمودند در سه گذشته من بموقع اجراء گذارم.

در صورتی که این قانون در سه ۱۳۲۹ تصویب شده مطابق بیانات آقا یارسال بموقع اجراء گذارده شده است و فرمودند که آن قانون چون کامل است بنده عرض می کنم آن قانون خیلی ناقص است و این قانون هم که ما امروز تصویب می کنیم در آتی پس از ده یا بیست یا سی سال دیگر نظر بمقتضیات وقت ناقص خواهد بود ولی این نکته را همیشه باید در نظر داشت که قانون باید متناسب با مآراء و اخلاق

و مقتضیات يك ملت و محیط باشد و اگر غیر از این باشد عملی نیست و بموقع اجراء گذارده نمی شود می خواهم يك دلیل مختصری عرض کنم الان نسبت بقوانین که راجع به ادایه وضع شده است ملاحظه بفرمائید مردم از صلاحیه های نواحی که بدعاوی از يك قران تابیست تومان رسیدگی میکنند بیشتر راضی هستند تا از صلاحیه های محلات و از صلاحیه های محلات بیشتر راضی هستند تا از مزاج کم بدایت و از مزاج کم بدایت بیشتر راضی هستند تا از استیفاء و هکذا چرا؟ برای اینکه صلاحیه های نواحی قوانین و ادارات طویل و عریض ندارد و فوراً امر را قطع و فصلا و تکلیف را معین می کند صلاحیه های محلات که تادویست و پنججاه تومان را رسیدگی می کنند اول تکلیف به صلح نموده و بعد نسبتاً زودتر حکم میدهند اما معاً کم عدلیه بواسطه طول جریان چندین ساله و خسارتهای فوق العاده مردم را بستوه آورده است و این خودش بزرگترین دلیل بر نقص آن قوانین است که متناسب با احتیاجات امر رزاین مملکت نیست این مطلب از بدیهیات است که هر چیزی که برای مردم نافع باشد محتاج به ترویج نیست و خود مردم عقب او میروند و آن شئی نافع را بدست می آورند مردم از چیزهائی تنفر پیدا میکنند که به حال آنها نافع نباشد همینطور است تمام قوانین بنده حالا نمی خواهم آن قانون سابق را بخوانم البته همه آقایان ملاحظه فرموده اند که يك اداره معارفی در آن معین شده است بایک وظایف عریض و طولی که تابیست سال دیگر هم اغلب وظایفش مصداق پیدا نخواهد کرد يك اداره تعلیمات عمومی و چه وجه معین شده است مجموع معارف ایران مگر دارای چند مدرسه است؟ يك مثلی است معروف صد دینار پنبه و سبزی دیگر سفره چرمی نمی خواهد یا با اصطلاح هموم صد دینار گلبرگ سفره قلمکار نمی خواهد يك مملکتی که در تمام طول و عرض سیصد مدرسه قدیمه و جدیده بیشتر ندارد مگر اداره طویل و عریض معارف و تعلیمات عمومی و غیره و غیره نمی خواهد! این اگر يك روزی انشاء الله دارای چندین هزار هزار مدرسه شدیم البته آنوقت اداره معارف می خواهیم اداره تعلیمات عالی و متوسطه و ابتدای ادارات بزرگ دیگر لازم خواهیم داشت و اینکه می فرمایند من بموقع اجراء گذارم بنده سؤال می کنم که چه اثری بر این اجراء ترتیب شد؟ بنده منکر آن اصول هستم و عرض می کنم که احتیاجات امروزه را باید در نظر گرفت و مطابق احتیاجات امروزه بایستی اداره را تشکیل داد بعد ببرند و احتیاجات توسعه پیدا کرد بهمان نسبت هم باید اداره را توسعه داد حالا به بعضی های ادبی آن قانون کار ندارم زیرا ممکن است از مضارک رفع هن

امی تسعد باشد مثلاً در ابتدای قانون تشکیلات در جزء موسسات وزارت معارف و اوقاف می نویسد.

نهم هیئت شورای معارف در ماده ۱۰ باوجودیکه سرصفحه بیشتر فاصله نیست هیئت مشاوره شده است. حالاً اینها اشتباهاتی است که قابل عفو است فرمودند که اعضای شورای عالی معارف سابق متخصص بودند بنده عرض می کنم اگر مادر معنای متخصص قدری دقیق شویم تصدیق خواهیم کرد که متخصص نبوده اند ولی عالم بوده اند و فرق است بین عالم و متخصص بمقیده بنده متخصص آن کسی است که آنچه درس خوانده و تحصیلات کرده معلومات مدرسه و غیر مدرسه خود را بموقع عمل گذارده باشد و در ضمن عمل تجربیات پیدا کرده باشد و شعور و لیاقت و کفایت هم داشته باشد که بتواند بین تجربیات خودش و مقتضیات وقت ربط بدهد و از تجربیات خود نتیجه بگیرد اعضاء شورای معارف در آن دوره که آقام آنجا بودند اشخاص هالی بودند ولی اشخاصی نبودند که يك دوره عملاً مدارس را طی کرده باشند امروزه است يك شاگرد از مدرسه عالی دیپلم درجه اول بیرون بیاید و دارای خیلی معلومات باشد ولی این شخص متخصص در عملیات مدرسه نباشد بملاوه عملیاتی که در شورای معارف کرده اند خود آن عملیات کاشف است از عدم تخصص آنها و یکی از آن عملیات را حالا عرض می کنم مثلاً در پروگرام نوشته اند یکی برای مدارس ابتدائی یکی برای مدارس متوسطه اگر خودشان معلم یا مدیر مدرسه ابتدائی و متوسطه بودند و تعلیمات را در نظر داشتند ابتدا این طرز پروگرام نمی نوشتند فرمودند شورای معارف باید معین کند بهترین طریق تربیت حب وطن را در اطفال دیگر اینکه معین کند بچه شکل باید افراد را باید تربیت کرد بچه شکل باید تدریس کرد خیلی خوب ولی عرض میکنم برای تهیه پروگرام اولین چیزی که لازم است در نظر گرفته شود احتیاجات مملکت است باید تعلیمات را مطابق با احتیاجات مملکت قرار بدهند و در پروگرام سابق این رعایت نشده است دلیلش هم این است که خط مشی معارفی ما چون از معارف فرانسه اتخاذ شده است لذا متناسب با احتیاجات مملکت ما نیست بلکه بنده با ادله ثابت می کنم که آن مشی معارف برای خود فرانسه هم مضرات چه رسد برای ما مشرقی ها که بطریق اولی مضر خواهد بود.

بنده محتاج نیستم که دلائل زیادی برای این مطلب اقامه کنم يك کتابی که يك نفر فرانسوی نوشته که بهر بی هم ترجمه شده است و معروف است بشر تقدم انگلیس (ممکن است آقایان مراجعه کنند) و در آنجا اخلاق و عادات ملت فرانسه را با

ملت انگلستان مقایسه می کنند تا می رسد به موضوع معارف می گوید تعلیمات فرانسه بر روی این اصل قرار داده شده است که شاگرد از چیزی که بمدرسه می رود از طرف پدر و مادر و اولیائش و متصدیان معارف باو تزییق می شود که تو درس بخوان تا در آتیه وزیر بشوی رئیس فلان اداره بشوی چه بشوی .

ولی در انگلستان و همچنین در آلمان که این اصل متعلق بآنها بوده است و انگلیسها هم از آنها اتخاذ کرده اند این طور نیست می گویند باید درس بخوانی برای اینکه بعد از اتمام تحصیلات خود راه تحصیل معاش را پیدا کنی در نتیجه شاگردان فارغ التحصیل فرانسه وقتی از مدرسه بیرون می آیند هجوم می آورند به ادارات دولتی و این مطلب هم بدیهی است که ادارات فرانسه يك عده معدودی اعضاء لازم دارد و نمی تواند سالی چندین هزار دیپلمه را بپذیرد و این محصلین هم دیگر عقب شغل پدرشان نمی روند و ناچار طول و مرض خیابان ها را ذرع نموده و هزار گونه آتريک می کنند و دچار هزار گونه سوء اخلاق می شود تا اینکه وقتی خود را داخل در اداره بکنند .

ولی ملت انگلستان وقتی که از مدرسه بیرون می آیند در صدد این هستند که برای خودشان کار پیدا کنند و اگر در مملکت خود کاری پیدا نکردند سوار رویا شده و در اقصای افریقا یا در جزائر اقیانوسیه کار پیدا می کنند و از عرق چین تحصیل معاش می کنند و به همین جهت است که مهاجرین آنجا نسبتاً بیشتر است و چون مبنای پروگرام معارف ایران هم از روی مشی فرانسه بوده .

این است که در پروگرامهایی که در آن شوری نوشته شده رعایت این چیزها را نکرده اند و آن پروگرامها طوری نوشته شده است که هر وقت طفل از مدرسه بیرون بیاید اولاد تاجر باشد یا بقال یا عطار باشد یا حلاف .

با اینکه پدرش از این صنوف مختلفه است معذک هیچ رغبت نمی کند عقب شغل پدرش برود بلکه تمام نقطه نظرش اشتغال در ادارات است این یکی از نواقص بزرگ تعلیمات ما است .

ولی بنده که عمرم را در معارف صرف کرده ام و این پروگرام دست بنده بوده است و بموقع اجرا گذاشته ام معایب آنرا می دانم آدمی در پروگرام (در مسئله حل غوامض امور معارف بنده شرحی در این خصوص بعد خواهم داد) .

در مبحث شریعت می نویسد نماز — روزه — خمس و غیره و در مباحث فیزیک الکتریسته — برق — تلفن و غیره در مبحث تاریخ می نویسد فلان و فلان و غیره .

بنده سوال می کنم که مقصود از (و غیره) چیست ؟ این يك کلمه مبهمی است که معلم بیچاره را در تکلیف خودش متحیر می نماید مگر اینکه بگوئیم اینهم از غوامض امور معارف است

در پروگرام باید تعیین نمود از نقطه نظر مملکت بشود مثلاً از کجا تا کجا بطور متوسطه تا چه مقدار بطور مکتامل یا بطور ابتدائی مخصوصاً يك لغتی در پروگرام ذکر کرده اند (لغت مستحانات) (گفته شد شاید مستحانات بود) خیر مستحانات که ما هر چه در لغت گشتیم و تحقیق کردیم معنی این لغت را پیدا نکردیم و حتی از خود اعضای شوری هم پرسیدیم گفتند ما نمی دانیم و بالاخره چون پروگرام را از روی پروگرام ابتدائی فرانسه ترجمه کرده بودند بآن رجوع کردیم معلوم شد که مقصود از مستحانات فعلها و حیواناتی که در قرون سابقه بواسطه زلزله از بین رفته اند و تعجب پیدا کرده اند مثلاً يك قسم از صدف های دریائی را در پروگرام متوسطه بمنکبوت دریائی ترجمه کرده بودند هر چه ما نجسس کردیم که خدایا بمنکبوت دریائی کجا است؟ بالاخره مراجعه باصل کردیم معلوم شد صدف دریائی را بمنکبوت دریائی ترجمه کرده اند.

از این هم می گذریم مسلم است که احتیاجات نسوان يك قسمتش غیر از احتیاجات ذکور است و در این مطلب هیچ شکی نیست پس بنابراین پروگرامی که برای مدارس اناث نوشته می شود باید حاوی احتیاجات آنها باشد و آقایان يك پروگرامی برای مدارس ابتدائی نوشته اند که عین آن را در مدارس ذکور و اناث در هر دو اجرا کرده اند فقط برای مدارس ذکور يك چیزهایی هم اضافه کرده اند و آن قسمتی که آقای شیخ الاسلام فرمودند که در مدارس متوسطه تا سال چهارم — شرحیات ندارد صحیح گفتند ولی هر بی نمدانم بچه مناسب در پروگرام زبان عربی را نگفته اند ولی روسی و آلمانی را گفته اند و معایب دیگری که در پروگرام متوسطه هست خیلی زیاد است بنده نمی خواهم وقت آقایان را اشغال کنم ولی مکرر بنده خودم خواسته ام که آنها را اصلاح بکنم حتی يك دوره يك قسمتی از مدیران مدارس تشکیل مجمعی داده و از مجلس تقاضا ها نموده و پیشنهادها کرده اند مجلس گوش نداد یکی از آن پیشنهادات این بود که بایستی اصول عقاید اسلامی در تمام دوره متوسطه تدریس شود و قبول نکردند فقط در سال پنج و شش يك قسمت از سیاسیات اسلامی تدریس میشود آنهم بطور خلاصه

محمد هاشم میرزا — در مجلس همچو چیزی نیامد قلمین — بلی شکایت کرده بودیم

و آن تفصیلی دارد (شاید بمجلس نیاوردند ولی یکی از آنها همین بود در آنوقت بنده در شورای معارف بودم و به همین جهت بود که زمینه آن پروگرام را بهم زدیم و اگر حالا درست دقت بفرمایند و با آن پروگرام سابق مقایسه بکنند تصدیق خواهند کرد که تا اندازه که برای بنده (که غالباً در اقلیت بودم معذور بود زحمت کشیده ام از این هم می گذریم به فرمودند دانشمند کی است من تصور نمی کنم این لغت فارسی است و محتاج تخصص در برهان قاطع و فرهنگ انجمن اداء نیست دانشمند یعنی عالم و این عبارت شامل ادباء و علماء و شعرا و مصلحین از کلیه علوم می شود به هم باید یک طرز مخصوصی اسم ادباء و شعرا ذکر فرمودند در حالی که من اینطور عقیده ندارم ادباء و شعرا مقام عالی را در ادبیات يك ملتی حائز نیستند یکی از افتخار ملت ایران داشتن ادباء بزرگست چنانکه فرموده اند و ان من الشعر الحکمه همین مسئله برای علو مقام و درجه يك شاعر کافی است مقصود این است که ادباء و دانشمندان مقام عالی دارند و اسباب افتخار يك ملت هستند و بنده عرض کردم در ضمن عمل باید وزیر معارف در نظر بگیرد اشخاصی را که انتخاب می نمایند این دارا از آنها ساخته شود البته لازم است یک نفر ادیب فارسی که حقیقتاً ادیب باشد انتخاب نماید ولی محتاج بذکر نیست و بعلاوه جزء سوم کاملاً توضیح می دهد شرائط اعضای شورای عالی معارف این است که دارای معلومات و اطلاعات لازمه باشد بعد از این قید تصور می کنم دیگر محتاج باین مذاکرات نباشد بعد فرمودند که من متخصص نمی شناسم مراد ایشان از این عبارت همین است کمی خواهند تخصیص را تشخیص خودشان بکنند و یا اینکه نقیض فرمایش خودشان میشوند که فرمودند کمسیون معارف سابق مرکب از متخصصین بود بعد فرمودند خدمات نمایان چیست خدمات نمایان را بنده توضیح دادم که عبارت است از يك خدمات برجسته بمعارف اعم از اینکه مادی باشد یا معنوی هر قسمی که باشد این حرف شامل می شود

فرمودند اگر یک نفر آمد و هزار تومان داد برای معارف خرج کنند آیا می شود آن شخص را برای شورای معارف انتخاب کرد عرض می کنم برای عضویت آنجا همین يك شرط تنها نیست شرایط دیگر هم باشد می تواند عضو آنجا بشود ولی بنده اظهار می کنم که متمولین یعنی آنهایی که قدرت دارند ابتدا خدمت بمعارف نکرده و نمیکند فقط لفظ معارف خواهی را با حرارت ادا میکنند اما در مقام مساعدت مالی بر نمی آیند و دلیلش هم این است که هر چه ما مدرسه مهم داریم از مال قداست است از دوره مشروطیت تا بحال کدامیک از

متمولین مدرسه ساخته اند فقط مسئله این است که مردم راجلب کنند و بنده با کمال تأسف مجبور هستم که در يك چنین مقام رسمی این مسئله را عرض کنم که متمولین و سرمایه داران علاقمند بمعارف نیستند زیرا معارف بر ضد آنها است سعی در توسعه معارف السنه و وظیفه فقرا است که متمولین بلا شبهه میل ندارند که فقر از راه علم ترقی کند چون متمولی خودش وسیله دارد طفلش را بمدرسه بفرستد یا معلم سر خانه مبادرد و هر وقت که تحصیلاتش تمام شد بخارج می فرستد و بعد هم که برمی گردد يك عالم سرمایه داری می شود ولی فقیر بیچاره بدبخت (زبانم بگفتن بیچاره و بدبخت عادت نکرده است که تکرار کنم و خوشم هم نمی آید) فقیر این استطاعت را ندارد که ترقی بکند بعد فرمودند که موجب تغییر ماده ده چیست عرض کنم موجب تغییر همان تأویلات جزء اول است که حل غوامض امور معارف باشد و گذشته از اجمال و ابهام و بغض و معایب دیگر يك علت بزرگ دارد و آن انحصار مهم آن قانون است انحصار یعنی چه — قانون را نباید طوری بنویسند که فقط خود نویسندگان بفهمند و دیگران نفهمند قبول نیست که يك عده قانون را بفهمند و دیگران نفهمند و هر طوری که می خواهند آنرا تفسیر و تعبیر کنند (بنده می خواهم در این موقع يك مثلی بزنم و در مثل هم مناقشه نیست) چون فرمودند در سابق هم که ایشان مخبر کمسیون معارف بودند همین ایراد از آنها شده بود و بنده که يك نفری هستم که قوای جوانم را در معارف صرف کرده ام و آقایان هم خودشان در معارف زحمت کشیده و اطلاعات دارند غالباً فکر می کردم و می گفتم این غوامض امور معارف چه چیز است ، يك قدری تأمل می کردم و بعد می شدم ولی مطمئن نمی شدم زیرا قانون را کسی نمی تواند پیش خود تعبیر کند و حال معلوم شد که معنایش را خودشان در نظر گرفته بودند بنا براین لازم داش این بود که خودشان هم مجری این قانون باشد مثلی است معروف که یک نفر آدمی بود خیلی بدخط که او را فقیر از خودش کسی دیگر نمی توانست بخواند يك کاغذی نوشت برای يك شخصی خودش حامل کاغذ شد و گفت این کاغذی را خودم نوشته ام و خودم هم آورده ام خدمت شما بدهم گفت خودت برای چه آمده . گفت برای اینکه خودم هم بخوانم بالاخره اینها يك چیزهای انحصاری است ایته قبول است و بنده مخالف با این اصول هستم قانون را باید طوری نوشت که فهم آن عمومیت داشته و هر کس که لایق است می تواند آن مقام را اشغال کند به همین جهت بود که در شورای معارف سابق بروی متخصصین بسته بود و هیچ کسی را راه نمی دادند باستثناء

يك قسمتی از آنها که در خارج روابطی با دیگران داشتند معلمین و مدیران مدارس تقاضا کردند که بما هم شرکت بدهید تا در موقع نوشتن پروگرام مدارس نظریات خودمانرا بگوئیم و ایداً بهر طرف آنها اعتنا نکردند حتی يك نفر از اعضاء شوری در يك موقعی می گفت که مدیر مدرسه مرکز معارف است و حق ندارد در وظائف شورای معارف دخالت کند ولی آقایان کلاس گذشت و از مدارس شاگردانی بیرون آمدند که این اصول و موهومه مندرس را پاره کردند اصول لیاقت و کفایت باید در مملکت دایر باشد و هر کس لایق هر مقامی است باید بآن مقام برسد نظر خانواده و نسب و کیفیت ظاهری هیچ نباید در بین باشد این هم قانون شد که خودتان مفسر باشید و خودتان مجری اما مسئله برج قوس فعلاً کاری نداریم آمدیم بر سر مسئله حل غوامض امور معارف یکی الفبای فارسی است الفبای فارسی را بیایند تغییر بدهم برای اینکه تعلم آن مشکل است خیلی افسوس می خورم که اگر کسی مطلع باشد از الفبا های (یا بقول آقای آقا سید یعقوب الف ب) البته خارجه و از زبانهای ملل دیگر و آنها را هم با هم مقایسه کنید و بعد با فارسی مقایسه کنید این حرف را بغواهند زد فقط يك اشکال است که می گویند در خط فارسی اعراب جزء کلمه نیست بنده عرض می کنم مگر حروف الفبای مصری غیر از این الفبا است : چطور شده است که معارف نسبت بمسلمین در درجه اول است برای این است که آنها کار کردند زحمت کشیدند تدریس کردند و خود را بیک مقامات عالی رسانیدند شما تصور می فرمائید که این اشکالات فقط در الفبای فارسی است و در زبان فرانسه و انگلیسی و آلمانی این اشکالات نیست خبر درالسنه آنها هم اشکالات هست و اگر با همینطور رفع می شد چرا اینها این کار را نکردند یعنی آنها هم چیز نمی فهمند . پس فقط بصرف اینکه الفبا مشکل است نمی شود تعبیر داد بملاوه چطور می شود این الفباء را تغییر داد آیا مضاری که بر تغییر این الفبا مترتب است نباید در نظر گرفت : بملاوه این صکار وظیفه معلمین متخصصین در زبان فارسی است که فعلاً يك نفر از اشخاص زحمت کش در زبان فارسی که نمره اول معسوب می شود و آقای میرزا عبدالعظیمخان است و باید امثال ایشان این کارها را بکنند بشورای معارف چه ربطی دارد شورای معارف باید طرز اجرای پروگرام را معین کند مثلاً طرز اجرای حفظالصحه و غیره از وظایف اطباء صعبه و بلدییه است تعیین طریق تربیت اطفال با دارالمعلمین است بر فرض نگوئیم که شورای عالی معارف باید نظر داشته باشد که طریقی برای تربیت و تعلیم اطفال معین

کند آخر در آنجا کی ها هستند . شما مدتها بوده اید بفرمائید بدانم که آن متدها و طریق معلمی که در پیدا گویها برای تعلیم معین نموده اند کدام است و کی ها معین کرده اند کدام یکی امروزه معمول به است بملاوه هر يك از كتب متد مخصوصی دارد طرز تدریس حساب غیر از طرز تدریس جغرافی است طرز تدریس جغرافی غیر از طرز تدریس عربی است و هر يك از آنها متد خاصی دارند حالا متد فرانسه بهتر است یا متد انگلو - ساکسون یا امریکا اینها يك چیزهایی است که باید در موقع نوشتن پروگرام در نظر گرفت اینها بماند دیگر اصلاح مکتب خانه ها با تحصیل مستخدمین ادارات و با نمو اخلاقی آنها بنده چون در ضمن توضیحات مواد مکرر آنها را عرض کردم دیگر بیشتر از این لازم نمی دانم و اگر باز مقتضی شد آنوقت این لایحه را ماده بماده مقایسه می کنیم با ماده دهم آن قانون

وحیدالملک - بنده توضیحاتی دارم

رئیس - قبل از جنابعالی سیزده نفر هستند

وحیدالملک - حق دارم توضیح بدهم

رئیس - توضیح نظامنامه ای دارید

وحیدالملک - توضیح در زمینه نطق خود و بیان آقا دارم

رئیس - اگر توضیح نظامنامه ای دارید بفرمائید

وحیدالملک - من مقصود از توضیح نظامنامه را درست نمی دانم ولی بموجب ماده ۶۳

رئیس - ماده ۱۰۹

وحیدالملک - بلی بموجب ماده ۱۰۹ می توانم بعد از فرمایشات آقا توضیحاتی بدهم

رئیس - ماده ۱۰۹ را ملاحظه بفرمائید

وحیدالملک - ماده ۱۰۹ اگر در ضمن مباحثات و نطق افترا و تهمت بیکی از نمایندگان زده بود افترا و تهمت نبود ولی

رئیس - بقیه اش را قرائت نمائید **وحیدالملک** - (با عقیده و اظهار اوبرخلاف واقع جلوه داده شود) بلی بنده در همین زمینه عرضی دارم

رئیس - پس بطور مختصر بفرمائید **وحیدالملک** - این بیاناتی که

مخبر معترم فرمودند راجع بنطاق بنده نبود يك سلسله عقایدی را راجع بیرو گرام مدارس و عملیات شورای معارف سابق فرمودند و ضمناً با يك حرارتی اظهار عقیده کردند مثل اینکه من خدای نکرده نسبت بشخص

ایشان یا نسبت باعضای کمیسیون يك جسارتی کرده ام ولی اینطور نبود واز تعریف و تمجید باعضای کمیسیون سابق نظرم خدای ناکرده توهینی نسبت باعضای کمیسیون امروزه نبود و نیست فقط عرض کردم که اعضاء شورای معارف متخصص بودند و غیر از آن اظهاری نکردم البته يك آقای مخبر محترم يك خدمات عالی برای معارف این مملکت کرده اند و دیگر در حل غوامض امور معارف هم من يك نظر خصوصی ندارم که می فرمائید این امتیازات باید شکسته شود من نمی دانم اینها امتیازاتی نیست که شکسته شود يك ماده قانونی است که نوشته شده است و آقای مخبر معترم بآن ماده اعتراضی داشتند آن ماده را بنده تفسیر کردم و بعقیده خودم آن بیست و يك فقره که اظهار شد از غوامض امور معارف است حالا آقای مخبر تردیدی دارند بحال تردید خودشان بماند ولی بنده يك نظریات خصوصی در میان آن بیست و يك فقره ندارم و میل ندارم که سوء تعبیر شود و در باب ادیب و دانشمند من يك شخصی هستم که ادارات مخصوصی نسبت بادبا و شعر و فضلا تمام ممالك داشته و دارم خصوصاً ادباء مملکت خودمان که من همیشه آنها را تقدیس میکنم ولی چیزی که من گفتم این بود که دانشمندان و ساده برای نوشتن پروگرام کافی نیست این عین چیزی است که بنده اظهار کردم و ممکن است در صورت مفصل مذاکرات جلسه گذشته ملاحظه شود و معلوم شود آنچه گفتم این بود که دانشمند سهل و ساده کافی نیست برای نوشتن پروگرام مدارس و خود مخبر معترم هم این عقیده را تایید کردند و همچنین بنده در ضمن اظهارات خودم عرض نکردم که این پروگرام که امروز از برای مدارس تدوین شده است این پروگرام کامل است من هم با ایشان هم عقیده هستم که این پروگرام کافی نیست ولی کی می تواند پروگرام تهیه کند باز هم تکرار میکنم که بیگنفر متخصص می خواهد ولی يك شاعر یا ادیب هر قدر هم بمملکت خودش خدمت کند باز برای اینکار صالح نخواهد بود و اگر بر این نظریه بنده هم ایرادی دارند بفرمائید و راجع بتولی که از ماده ده استنباط کردند من فرض شخصی اصلاً نداشته و امروز هم ندارم و در این شورای عالی معارف هم نیستم و اگر طالب باشم شاید وزارت معارف مرا انتخاب کند (با وجود اینکه چهارده سال در شوری بوده ام و اگر باز هم بنده را بغواهند جاناً و مالا حاضر بوده و خواهم بود و مجانی هم کار خواهم کرد) ولی عقیده من این است که این قانون عملی نیست و اگر بگذرد جزء قوانینی است که تصویب شده و بلااجرا مانده است این هم همانطور خواهد بود و قانون تشکیلات را هم که یکی از قوانین

خوب است لغو خواهد کرد و خیلی میل داشتم که جواب عقاید مرا وزیر معارف بدهد و طرف من ایشان باشند که در مطالب بنده سوء تعبیر نشود و کبیل با و کبیل اینطور صحبت ننمایند

رئیس - رای می گیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود مذاکرات کافی است آقای نظام الدوله پیشنهادیکه فرمود بخلاف رای است که داده شده چون در ضمن تصویب مواد تصویب شد که اعضاء شورای عالی معارف نباید وظیفه داشته باشند و این پیشنهادیکه فرموده اید که مقرری داشته باشند بخلاف آن مواد است **نظام الدوله** - مسترد میدارم

رئیس - رای می گیریم ببلایعه شورای عالی معارف که مشتمل بر یانزده ماده است آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد نیم ساعت تنفس داده می شود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - قتل از شروع بسؤالات يك فقره راپورت کمیسیون بودجه که مدتی است تعطیل مانده قرائت می شود و رای می گیریم

(آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند)

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۳۳۸۲۲ وزارت مالیه را راجع بیرو فراری ماهی صحت و يك تومان و نه قران و یانزده شاهی علاوه بر ماهی سیزده تومان و دو یست و پنجاه دینار حقوقیکه مطابق قانون وظایف بمیال و يك پسر صغیر و دو نفر صبایای صغار مرحوم عمادالدوله تعلق گرفته و بموجب ماده واحده پیشنهاد کرده بودند تحت مطالعه در آورده و ماده واحده ذیل را تصویب و پیشنهاد مجلس مقدس می نماید

ماده واحده - در مورد هیال و يك پسر صغیر و دو نفر صبایای صفره مرحوم عمادالدوله ماهی مبلغ صحت و يك تومان و نه قران و یانزده شاهی علاوه بر حقوق دیوانی مشارالیه بمقتضی که قانون وظایف در حق ورثه مقرر داشته تصویب می نماید که از تاریخ فوت آن مرحوم تا آخر حوت ایت ثیل ۱۳۰ بطور شهریه پرداخت شود **رئیس** - در این باب مغالفی هست یا خیر

گفتند خیر

رئیس - چون مغالفی نیست رای می گیریم آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید والا ورقه کبود خواهند داد

(در این موقع اخذ آراء بعمل آمده و آقای نظام الدوله و سهام السلطان شروع باستخراج آراء نمودند و ترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)

عده حضار ۷۱ ورقه سفید علامت قبول
۵۴ ورقه کبود ۸ امتناع ۱۰
رئیس - عده حضار ۷۱ با کثرت
۵۴ رأی تصویب گردید
اسامی قبول کنندگان

بیان الملك، مدرس، میرزا علی کازرانی
و کن الملك، میرزا سید حسن کاهانی، میرزا طاهر تنکابنی، آصف الممالك، صدر الاسلام، حاج میرزا مرتضی، مستشار السلطنة، وکیل الملك، صدرائی، شیخ الاسلام ملا بری، حاج میرزا علی محمد دولت آبادی، سردار مخم، حاج نصیر السلطنة جلیل الملك، اقبال السلطان، فهیم الملك سلیمان میرزا، آقا سید محمد تدین، حمید الممالك، محمد هاشم میرزا، معتمد السلطنة امیر ناصر، شیخ المراقین زاده قوام الدوله همدان السلطنة خراسانی، عدل السلطنة، رئیس التجرار، همدان السلطنة طباطبائی، ارباب کبکسرو، نظام الدوله، مقبل السلطنة، میرزا محمد صادق طباطبائی، حاجی میرزا تقی خان نائینی، میرزا ابراهیم خان ملک آرائی، بیان الدوله، سهام السلطان، آقا آقا سید فاضل، میرزا هاشم آشتیانی، آقا سید کاظم یزدی، میرزا محمد نجات، غضنفر خان، سردار معظم کردستانی، آقا میرزا ابراهیم قمی، سید عبدالملك، ملک الشعراء امین التجرار، حاج شیخ محمد حسن گروسی وقار الملك، سردار جنگ بختباری، نصیر دیوان

اسامی رد کنندگان

امین الشریعه، آقا شیخ ابراهیم زنجانی حائری زاده، شیخ الاسلام اصفهانی، ناظم العلماء، سید محمد تقی طباطبائی، حاج میرزا عبدالوهاب بهاء الملك

رئیس - پیشنهادی از طرف جمعی از آقایان رسیده قرائت می شود
آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند

مقام منبع مجلس شورای ملی - در تعقیب سوالی که در تاریخ ششم حوت تقابلی قیل در مجلس شورای ملی در خصوص جواهرات و ذخائر دولتی از ریاست محترم وزراء عظام شده است چون تاکنون از جواب اطمنان آمیزی استحضار بعمل نیامده است لهذا برای اینکه در صورت وقوع از دولت وقت موجبات خسارت و ندامتی حاصل و مسئولیتی سنگین تر متوجه نشود تقاضا مینمائیم مجلس شورای ملی موافقت فرمایند از طرف مجلس به دولت نوشته شود در هر قسمتی از آن سؤال که دولت واقعیت آنرا تصدیق نماید اقدامات فوری بعمل آورد

اولا کتب دولتی را که ارشاک نام از ایران برده و در نیویورک بوده چون مال سرقتی است از دولت انازونی خواسته شود

ثانیا اهتمام مامورین دولت علیه در داخله و خارجه تلگرافا و کتباً امر شود آن چه از کتب و ذخائر دولتی ایران در هر حکجا و نزد هر کسی بیابند اقدام در استرداد و الصال آن بدولت ایران نمایند

ثالثا در حدود هر جزء از سوال مذکور فوق و آنچه نیز علاوه بتوان از اشیاء و ذخائر و جواهرات و اسناد دولتی در هر بانک و نزد هر کس باشد انجام شود بقرورت تسلیم دولت نمایند در صورت عمل اگر هر يك از مرتکبین و مسؤولین که حقوق دولتی دارند و کفایت بآن اشیاء و اموال که حقوقشان توقیف گردد والا از هر گونه دارائی آنها که کفایت بمیزان آن اشیاء و اموال نماید توقیف شود و رفع آن توقیف موکول باخذ تمام و کمال هر جزئی از اجزاء آنچه نزدشان بود و بادر صورت تفریط موقوف تبادل تمام و کمال اصل و فرع قسمت صحیح آن خواهد بود

رابعا در ظرف اقلایکماه از این تاریخ دولت نتیجه اقدامات خود را رسماً بمجلس شورای ملی اعلام فرماید

رئیس - قرائت شد در جلسه بعد باید رأی بکیریم آقای سلیمان میرزا راجع بصد يك حقوق که برای معارف تخصیص داده شده است سوالی دارند سلیمان میرزا - اولاً اجازه بفرمائید عرض کنم که این سؤال را از کابینه قبل کرده بودم و تا بحال طول کشیده است بنده خواستم از آقای وزیر علوم سوال کنم در باب صد يك حقوقی که برای معارف گرفته می شود آیا بصورت مرتب و مدونی در دست دارند و آیا می توانند توضیح بدهند که از این صد يكی که از ولایات و مرکز تا امروز گرفته شده است چه مبلغ است ؟ و مقدار وصولی آن چقدر است و بچه مصرفی رسیده و در آتی بچه قسم به مصرف خواهد رسید بنده توضیح این مسئله را مستعجلی هستم بیان فرمایند تا معلوم شود این پولی را که مردم برای معارف می دهند بچه محل میرود و در نزد چه اشخاصی است ؟

وزیر معارف - صد يك معارف وقتی وضع شد که مدارس تازه تأسیس شده بود و برای چهل باب مدارس ذکور و اناث این صد يك وضع شده و از حقوق مستخدمین دولت در هر جاهستند کسری کنند و نزد امنای مالیه است در مرکز هم در اداره صندوق مالیه است و از آن پول مصرف آن چهل باب مدرسه داده می شود ماهی یک قدر حقوق آن مدارس را از این محل می گیریم

ولی صورت آن چقدر است در وزارت مالیه است مافقط حقون مدارس را از آن بابت می گیریم و بمدارس می دهیم

سلیمان میرزا - این بیاناتی که آقای وزیر فرمودند بهیچوجه جواب بنده نبود بجهت اینکه همه این اندازه میدانستند ولی سؤال بنده راجع بآن پولی است که از مردم گرفته می شود و بمصرف نمی رسد و بنده شخصاً اطلاع دارم در این مسافرت هم که از سرحد تا اینجا کرده ام دیدم که این پول از همه گرفته شده است و بمصرف نمیرسد آیا این پول معلوم است صورتش کجا است و در صورتی که این حقوق متعلق بمدارس است پس چرا حقوق معلمین هفت برج عقب افتاده است ؟ آنچه که بنده استدعا کردم و توضیح خواستم این بود که دقت در آن نشد و اگر راجع بایشان نیست متوجه آقای وزیر مالیه می باشد مطلبی است من صورت حساب آنرا می خواهم بدانم این صد يك تا کتون از مردم برای مدارس بجائی گرفته می شود صورتش کجا است و بیش چه اشخاصی مانده زیرا بنده تا اطلاع دارم که اشخاصی گرفته اند و نبردخته اند این صورت حساب را بنده کاملاً می خواهم تا صد يك حقوق هائی که داده می شود بی حساب نباشد و از میان نرود و بمصرف خودش برسد و اگر بمصرف خودش میرسد باین زحمت و باین ترتیب معلمین روزگار نمی گذارند آیا ممکن است آقای وزیر علوم یا وزیر مالیه مفصلاً صورت بدهند و اگر امشب ممکن نیست يك صورت مشروعی برای جلسه بعد یا چند جلسه بعد حاضر نمایند که کاملاً معین شود

کفیل وزارت مالیه - در باب صد يك معارف آنچه در مرکز گرفته می شود در وزارت مالیه صورت داریم و آنچه هم در ولایات گرفته میشود صورت مفصلی دارد که برای جلسه آتی بصورت آن را تقدیم مجلس خواهد نمود

رئیس - آقای مستشار السلطنة راجع به تشکیلات وزارت مالیه سئوالی داشتید

مستشار السلطنة - سئوال بنده از آقای وزیر مالیه این است که آقایان نمایندگان از بدو تشکیل مجلس یکانه طریقی که برای اصلاح مالیه در نظر گرفته اند همان تدوین قوانین برای تشکیلات مالیه بود بمقدم يك ماده واحده پیشنهاد شده بود و معلوم نشد بچه دلیل آن تشکیلات از بین رفت حالا آیا در مقابل این تشکیلات يك تشکیلات جدیدی در نظر گرفته شده است یا خیر ؟

بنده تصور می کنم تمام آقایان نمایندگان معتقدند باینکه موادی تدوین شود که جلوگیری از افراط و تفریط هوائه مملکت

و هم چنین جلوگیری از تفریط هوائه هم مستقیم و مستقیم مملکت نباید باین واسطه خواستم ببینم وزارت مالیه بعد از بهم زدن تشکیلات اسبق چه تشکیلاتی در نظر گرفته اند و چه در نظر دارند آیا ممکن است آقایان نمایندگان محترم مجلس را از تشکیلات جدید مستحضر بدارند

وزیر مالیه - قانسون تشکیلات جدید تقدیم مجلس شده است و تصور می کنم جواب این سؤال را قانون تشکیلات می دهد

رئیس الوزراء - در این باب لازم است توضیح بدهم برای اینکه سوء تفاهم نشود تشکیلاتی که کابینه سابق بطور موقت داده بوده این کابینه هم زده است و همان تشکیلات باقی است و دولت در انتظار این است که قانون تشکیلات جدیدی که بمجلس پیشنهاد شده است از مجلس بگذرد وقتی گذشت البته تشکیلات وزارت مالیه موافق آن قانون خواهد بود ولی برای اینکه هر روز يك تغییراتی در وزارت مالیه داده نشود چون این تغییرات بی دردی در حسن جریان امور خیلی موثر است و امور را از جریان طبیعی خودش می اندازد این کابینه صلاح ندانست که تشکیلات موقتی را بهم بزند و خوب نبوده که در عرض يك سال چندین دفعه تشکیلات وزارت مالیه بهم بخورد برای حسن جریان امور و بحالتا این تشکیلات باقی است ولی بدیهی است این تشکیلات موقتی است و بطوریکه تجربه شده برای اینکه کارها تقسیم می شود ما بین کمیسیونها اسباب بطور کار است و قانونی بمجلس پیشنهاد شده است که لازم است زودتر بگذرد و بنده مخصوصاً توجه آقایان نمایندگان را باین مسئله معطوف می دارم

رئیس - آقای مستشار السلطنة سؤال دیگری داشتید راجع بمعادن گل سرخ جزیره هرمز

مستشار السلطنة - کتابچه هائی از طرف آقای حاج معین التجرار بوشهری منتشر شده است که اغلب آقایان نمایندگان ملاحظه فرموده اند در جزء جمع سته گذشته در جمع عایدات معادن مزبور يك ارقام صحیحی دیده نشده و با آن توضیحاتی که در آن کتابچه داده شده يك منبع عایدی زیادی بنظر میرسد می خواستم ببینم وزارت مالیه این قضیه را در تحت نظر گرفته است و ممکن است عللش را بعرض مجلس برساند و هم چنین تصمیم صحیحی برای جمع آوری عایدی این مبلغ در نظر گرفته است و حدود ایشانرا ممکن است بعرض مجلس برسانند یا خیر ؟

کفیل وزارت مالیه - در موضوع گل سرخ مدتی است معادن کار نمی کند و این مقدار گل سرخ که تا کمیسیون وزارت

مسأله می فروخت از آنهایی است که توسط آقای حاج معین التجار با توسط گمرک استخراج شده بود و دولت مشغول است اقداماتی بکند که خودش این معدن استخراج نماید و بیش از پیش از این منبع استفاده کند

رئیس الوزراء - چون در اینجا راجع به دعوی آقای حاج معین التجار مذاکره شد بنده یک رابطه مابین این دو مسئله نمی بینم به دعوی آقای حاج معین التجار رسیدگی شد و رایورنی هم بمجلس تقدیم شده است حالا باید در هر جا که صلاح می دانند مطالعه شده و در این مسئله یک قراری داده شود مسئله خاک سرخ مسئله دیگری است و دولت در این باب بطور قطع تصمیم نگرفته است اداره کند یا اجازه بدهد ولی گمان می کنم تصمیم با اجازه باشد و البته بموقع خودش لایحه اش بمجلس تقدیم خواهد شد و در هر حال صرفه دولت منظور خواهد شد

مستشار السلطنه - اجازه می فرمایند ؟
رئیس - بفرمایند

مستشار السلطنه - البته صرفه خزانه دولت را در نظر گرفته اند و بنده هم سؤال هیچ مربوط بآن قسمت مطالبات آقای حاج معین التجار می شود فقط در این سؤال مقصود این بود که این منبع مهمی که تصور می شود خوب اقدام نشد خوب است دولت اقدام جدی در جمع آوری این هوائت بکند

رئیس - آقای آقا شیخ ابراهیم زنجان راجع به مستغلات و اشیاء نفیسه دولتی سؤالی داشتند

زنجان - این سؤال را بنده مدتی است از وزارت مالیه کرده ام یکی از مهم ترین مالیه مملکت که از نظر آقا محو شده عمارات و باغات دولتی است در مرکز و ولایات همه جا دولت عمارات و دارالحکومه ها دارد و هر یک از این عمارات و باغات اثنایه دارد و همچنین نفایس از قبیل جواهرات و غیره دارد و همچنین اشیاء دیگر از قبیل شتر و رومه دارد این است که سؤال میکنم عواید سالانه این باغات چه می شود ؟ و چگونه مصرف می شود و اشیائی که در مرکز و ولایات از کار می افتد چگونه فروخته می شود درختها که سالهای متدای عمر کرده اند چه می شود وقتی برنده می شود می فروشند یا ترتیب دیگری دارد و این باغات در دست کی است ؟ معارج و حفاظت آنها با کی است مسئولش کی است ؟

همه ساله در کلبه ادارات دولتی اثنایه هائی ایجاد میشود آیا آنها صورت دارد یا خیر ؟ آیا آنهایی که از بین می رود و صورت دارد یا خیر ؟ آیا احشام و حیوانات دولتی

صورت دارد یا خیر ؟ آیا حیواناتی که می میرند صورت دارد یا خیر ؟ آنهایی که خربیده میشوند صورت دارد یا خیر ؟ مسئول اینها کی است ؟ آیا دفتری برای این قبیل اسبابهای دولتی موجود است ؟ در مملکت دیگر اگر یک عمارت باشد تمام اطاق بایستی ذکر نبود بنده وقتی از زنجان می آمدم یک عمارت دولتی در چمن سلطانی بود و آن عمارت به قدری بزرگ بود که تقریباً باندازه یک شهری بود و سالیانه چقدر در آنجا خرج میکردند

الان کسانی که از آنجا عبور میکنند می بینند یک دانه آخر هم نمانده است آن عمارت طوری بود که هر کس از آنجا می گذشت برای مباحث و تماشای آن میرفت و زمانی که سلاطین میرفتند چمن سلطانی یک اردوی قشون در آن عمارت جای میگرفت حالا کسانی که از آنجا می آیند اظهار می دارند که تمام از میان رفته و هیچ چیز از آن عمارت باقی نمانده حفظ این قبیل اشیاء با کی است ؟ عایداتش چیست ؟ معارجش چیست شاید دولت مستغلات دیگری از قبیل دکان و باغات و غیره داشته باشند آیا آن مستغلات در تصرف کی است ؟ عایداتش کجا است

آیا چنین دفتری که صورت تمام این مستغلات و غیره و تغییراتی که در عرض سال می نمایند در آن قید شده باشد در وزارت مالیه موجود است یا خیر ؟
وزیر مالیه - اثنایه سلطنتی بر دو قسم است یکی بتومات و اثنایه سلطنتی دیگری باغات و مستغلات دولتی راجع به اثنایه سلطنتی یک صورت جامعی از آنها در وزارت مالیه موجود است و هر یک از آقایان بخواهند ممکن است بآنجا رجوع نمایند

بعلاوه در این اواخر بامر آقای رئیس الوزراء یک کمیسیونی تشکیل شده است که باین نوع اشیاء و جواهرات رسیدگی نموده و رایورن دهند و اما مستغلات و باغات هم بر سه قسمت تقسیم شده است قسمتی در دست وزارت جنگ و قسمتی هم در دست اداره مالیه تهران و وزارت مالیه است که اجازه داده شده است و عایداتش نیز جزء عایدات مملکتی تقدیم مجلس خواهد شد و قسمت دیگر جزء اداره بلدییه است آنهم خیلی مهم نیست قسمت دیگری نیز موجود است که با وزارت دربار می باشد مثل سلطنت آباد و دوشان تپه و فرح آباد بعضی دیگر از هم قبیل باغ شاه قصر مجمر و عشرت آباد در دست وزارت جنگ می باشد که هوائت برای دولت ندارد

رئیس - آقا شیخ ابراهیم زنجان (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجان - این جواب برای سؤال بنده کفایت نکرد فرض می کنم یک عمارت عالی با تمام اثنایه اش در دست وزارت دربار است و وزارت مالیه اگر

صورت آنها را نداشته باشد وقتی یک چیزی تلف می شود مسئولش کی است ؟ و اگر صورتی نباشد از کجا معلوم میشود که مالی تلف شده است البته صورتی باید داشته باشد و نیز مسئولی برای آن معین شود

وزیر مالیه - در باب عمارات دولتی و اثنایه هائی که در مرکز هست هر کدام صورت معینی دارد و هر چه از بین برود و یا خراب شود صورتش معین است در موضوع ولایات هم متعدد مالی فرستاده شده است تا صورتی که در ادارات مالیه هست به مرکز ارسال دارند

رئیس - آقای ارباب کیخسرو راجع به خروج مسکوکات از سرحدات سئوالی دارند

ارباب کیخسرو - یکی از مسائل مهمه که برای هر مملکتی کاملاً قابل توجه است مسئله مسکوکات مملکت است اگر چه بدبختانه ما هنوز یک قانون مخصوصی برای ضرب سکه نداریم ولی امیدوارم دولت هر چه زودتر در ضمن سایر قوانین که تهیه مینماید قانون ضرب سکه را نیز تهیه و تقدیم مجلس دارند سوال بنده دو قسمت اول اینکه از قراریکه شنیده می شود با این حال سکه اقتصادی که در مملکت داریم معهدا یک مقدار زیادی از طلا و نقره این مملکت هم از مسکوکات و غیر مسکوکات با بعنوان رسمی یا بعنوان قاجاق از سرحد خارج میشود از آقای وزیر مالیه سئوال می کنم که آیا می توانند در این خصوص با اطلاع دهند یا خیر ؟

قسمت دوم سؤال بنده این است که با وجود اینکه سکه هر مملکتی باید خیلی معتبر باشد در این مملکت بدبختانه بواسطه عدم توجهی که تا کنون میشده است سکه مملکت آن قسمتی که باید احترامش برجا باشد نیست هر کس یک سکه را بر میدارد و آن را سوراخ نموده بایک دسته یا یک قطعه سرب بآن متصل می نماید و مخصوصاً این اواخر یک عده اشخاص پیدا شده اند که صرفه تجارنی خود را در سرقت از این سکه دولت تصور نموده اند و با اسباب مخصوص قرانها را سوراخ می نمایند و بقراریکه بنده شنیده ام قریب هفتصد هزار تومان از این مسکوکات ناقص امروزه در بانک موجود است و علاوه بر آن مبالغ زیادی هم در دست مردم حالت معطله دارد

برای اینکه بانک این قبیل مسکوکات را قبول نمی نماید و مردم هم در تنگنا افتاده اند و وقتی می خواهند این مسکوکات را خرج نمایند یک خسارت بزرگی بآنها از کسر پول متوجه می گردد در این باب هم از آقای وزیر مالیه سئوال می کنم که آیا چه نظریه اتخاذ نموده اند ؟ و آیا تا کی باید باین ترتیب دایر باشد ؟

و برای جلوگیری از آن چه تصمیمی اتخاذ نموده اند که در حقیقت بتوان تجارت و سکه به این مملکت را که در هر جهت ضرر دارند از این ضرر بازداشت تا اضافه بر سایر بدبختی هایشان نگردد

وزیر مالیه - در موضوع مسکوکات معیوب مدتی است این مطلب مابین دولت و بانک مطرح است و همینطور که فرمودند اخیراً معلوم شد که قریب هفتصد هزار تومان از این قبیل مسکوکات سکه سوراخ در بانکهای طهران و ولایات موجود است و برای جمع کردن و حمل نمودن و ضرب زدن این مسکوکات معارجی لازم بود وزارت مالیه در این باب مطالعات مقتضی نموده و لایحه ترتیب داده است که تقدیم مجلس خواهد شد پس از تصویب آن لایحه این مسئله مرتفع خواهد شد

امادر موضوع مسکوکاتی که از مملکت خارج می شود بنده اطلاعاتی از خارج شدن آنها ندارم ولی معهدا اخیراً از طرف دولت احکام قبلی شخصیتام ولایات داده شده که از خروج آنها جلوگیری نمایند و اخیراً هم چند نفر اشخاصی که بطور قاجاق می خواستند مسکوکات را از سرحد خارج نمایند در کرمانشاه دستگیر و مسکوکات آنها توقیف شده است

ارباب کیخسرو - البته صدور طلا و نقره بهر عنوانی باشد خواه بعنوان مسکوکات یا بعنوان زینت آلات باید جداً جلوگیری شود و امیدوارم با این اطمینان که آقای وزیر مالیه دارند دیگر کسی نتواند آنها را خارج نماید اما راجع به مسکوکات که فرموده اند پیشنهادی نموده اند یا خواهند کرد

البته مجلس منتظر خواهد بود که هر چه زودتر آن پیشنهاد را دریافت دارد ولی فعلاً تصور می کنم هیچ ضرری نداشته باشد که وزارت مالیه یا دولت اعلانی منتشر نماید که هر کس سکه رواج مملکت را در تحت هر شکلی ناقص کند مورد مواخات و مجازات سخت خواهد شد تا سکه مملکت محفوظ بماند

رئیس - آقای حائری زاده راجع به ملیات مأمور تعدید خراسان سئوالی دارند

حائری زاده - این اوقات شکایات متعدده راجع به مأمورین تعدید و عملیات خلاف قانون آنها میرسد بدیهی است قانون تعدید برای کم شدن استعمال داخلی تریاک و زیاد شدن وسعت تجارت خارجی مملکت وضع شده و ضمناً یک منبع عایدی هم برای دولت تهیه می نماید

در مشهد و اغلب ولایات مصرف شهری را خیلی تفاوت گذارده اند و اداره تعدید خراسان بتجار برای حمل تریاک بخارج جواز نمی دهد و راه خروج آنرا منحصر

نموده اند برای سرخس که گویا از آنجا هم صدور مال التجاره اشکال دارد و رئیس گمرک آنجا اشکال تراشی ها میکند خواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که آیا اقدامی فرموده اند که وسائل تسهیل تجارت تریاک را فراهم کند یا خیر وزیر مالیه -- چون از موضوع سؤال مسبق نبودم در جلسه آتی به جواب عرض خواهم کرد.

رئیس - آقای وزیر مالیه از موضوع سؤالی که آقای مقبل السلطنه میخواستند بکنند مسبق هستید یا خیر؟

وزیر مالیه - به بنده اطلاعی نداده اند.

رئیس - پس هنوز نرسیده است آقای ارباب کیخسرو از آقای رئیس الوزرا در موضوع ممانعت از خروج اتباع ایران از سرحد سؤالی دارند.

ارباب کیخسرو - آنچه در اواخر کابینه سابق اطلاع حاصل شد در کابینه سابق تصمیمی اتخاذ شده بود که اتباع ایران بدون اجازه دولت از سرحدات ایران خارج نشوند ولی بدون اینکه يك اعلانی شده باشد و علتی معین شده باشد باین لحاظ يك عده که بسرحدات رفته بودند اسباب زحمت برایشان فراهم شد حالا این تصمیم از چه نقطه نظر بوده بنده نمی دانم و البته آقای رئیس الوزرا خواهند فرمود باری گمان می کنم که این قسمت را هم باید مزید بر بدبختی رنجبران این مملکت تصور نمود برای اینکه اشخاصی که می خواهند از سرحدات خارج بشوند یا معصلینی میباشند که برای تحصیل میروند و یا اشخاص زحمتکش دیگری که برای کار میروند و یا مرضائی هستند که برای معالجه مسافرت می کنند.

قسمت دیگری نیز می باشد که برای تفنن خارج می شوند و گمان می کنم اشخاصی که زود تر موفق به خارج شدن می شوند همان قسمت اخیر باشند که کلبه و سائیشان مرتب است.

سندی در چندی قبل فرموده است: منعم بکوه و دشت و بیابان غریب نیست آیا تصور نمی شود که در این دهات دور دست اگر بعضی از این اشخاص بخواهند از سرحدات خارج شوند بچه وسيله ميتوانند خودشانرا بر کر م معرفی نمایند غیر از اینکه يك اسباب زحمتی در محل برای آن ها فراهم شود.

يك قدری روشن تر باید عرض کنم با اخلاقی که ما در مأمورین خود سراغ داریم باید دست بدامن آنها شده و دامن آنها را ببوسند تا بتوانند يك اجازه حاصل نمایند.

اخیراً خود بنده در يك قسمتی که

با آقای رئیس الوزرا رجوع نمودم این قسم جواب فرمودند: که همآفریب نظام نامه در این باب بمجلس پیشنهاد خواهد شد بنده خواهش می کنم تا این نظامنامه به مجلس پیشنهاد نشده و از تصویب مجلس نگذشته است این مسئله را بحال سابق خود بگذارند تا وقتی که نظام نامه آن تصویب گردد و البته هر نوع که مجلس صلاح دانست اجرا خواهد شد این است که از آقای رئیس الوزرا سؤال می نمایم علت اینکه يك همچو تصمیمی اتخاذ شده چیست؟

رئیس الوزرا - این دو مسئله است یکی مسئله مسافرت است و دیگری مسئله مهاجرت و نباید این دو مسئله را با هم مخلوط نمود.

در مملکت ما مسئله مسافرت تابع يك قانونی است که دولت مکلف است مادام که مجلس شورای ملی آن قانون را نقض ننموده آنرا اجرا نماید.

قانون تذکره تکلیف مسافرت را تعیین نموده و هر کس میخواهد مسافرت نماید باید تذکره بگیرد تذکره هم فرع يك ترتیبات و مقدماتی است برای اینکه اشخاص جانی نتوانند فرار کنند باید پلیس محل تصدیق کند که این شخص مجرم نیست و برای فرار از تأدیه مالیات و خدمت نظام مسافرت نمی نماید.

باین جهت چه در مرکز و چه در ولایات اشخاصی که می خواهند از سرحدات خارج شوند باید تذکره بگیرند و تذکره خود را بامضای سفارت گری ها یا سفارت خانه های مملکتی که می خواهند به آنجا مسافرت می نمایند برسانند و مذاکره آنها باید در آنجا ویزه بشود و اگر ویزه نشود مجبورند که جرم بدهند و برگردند این قانون از روی مطالعاتی نوشته شده و مادام که مجلس شورای ملی آن قانون را نقض ننمود دولت نمی تواند از اجرای آن استنکاف ورزد حالا اگر آقایان نمایندگان تصور می کنند این قانون تذکره برای امروز مملکت مناسب نیست ممکن است هیئت دولت در آن مطالعاتی نمود و نتیجه مطالعات خود را بمجلس پیشنهاد نماید ولی مادام که در آتی يك قانونی قائم مقام قانون فعلی نگردد دولت نمی تواند قانون تذکره را نقض کند اما راجع بمسئله مهاجرت يك قانونی راجع بآن موجود نیست که بنده بتوانم از روی آن قانون اجازه ندهم مسئله مهاجرت غیر از مسافرت است مسئله مهاجرت هم که شخص مهاجر دیگر نمی خواهد بمملکت مراجعت نماید مطابق قانون تابعیت یا قدغن است و بنده هم قانون دیگری غیر از قانون تابعیت که در سنه ۱۳۱۴ نوشته شده نمی دانم حالا اگر قانون هم موافق

مقتضیات و مصالح مملکت نیست و نظریاتی که آقای ارباب کیخسرو دارند باید ملحوظ شود منوط باین است که قانون جدیدی وضع شود ولی مادام که این قانون وضع نشد دولت چه در باب مسافرت و چه در باب مهاجرت تکلیف دیگری ندارد.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - در سؤالی که بنده نمودم هیچ يك از این دو نظری که آقای رئیس الوزرا فرمودند نبود بنده بهیچوجه همچو عقیده نداشتم که برخلاف قانون تذکره رفتار شود و بهیچوقت هم همچو عقیده نداشتم که کی ترك تابعیت کند فرض بنده هم این بود که قانونی که از قدیم مرسوم بود و مجری بود علت ندارد در اواخر کابینه گذشته طرح جدیدی بر آن ریخته شد البته تبیه ایران وقتی بخواهد تذکره بگیرد باید تمام مجاری را که يك قانون برای آن معین نموده طی نماید بنده هیچ در این باب مخالف نیستم ولی در باب طرح جدید باین قسمتی که همه جا دستور داده شده است که هر ایرانی بخواهد از سرحد خارج شود باید از مرکز اجازه بگیرد مخالفم زیرا مسئله باعث اشکال خواهد بود مثلاً فلان شخص يك حساب تجارتی با فلان نقطه هندوستان دارد اگر معطل بشود ممکن است تا خودش را بر کر م معرفی نماید باعث فوت وقت هودلدا بنده عرض می کنم خوب است همان قانون تذکره که در سابق بود اجرا شود و قانون مهاجرت هم بموقع خود مجری گردد ولی نه اینکه هر کس هم که يك کار فوری داشته باشد بواسطه طول مدت کارش فوت گردد و استعفا میکنم توجهی نفرمایند و رفع این مشکل را بنمایند بنده خودم دچار این مشکل شدم یعنی از یزد به بنده تلگرافی شد و برای يك عده که بجهت تصفیه حساب میخواستند به هندوستان مسافرت نمایند درخواست تحصیل اجازه نمودند بنده بوزارت خارجه رجوع کردم بعد از يكماه الی چهل روز جواب دادند که باین مسئله بما مربوط نیست و بوزارت داخله رجوع شد بنده بآنجا مراجعه کردم بعد از چندی جواب دادند که چنین خبری از وزارت خارجه بما نرسیده دو باره مجبور شدم شرحی جداگانه بوزارت داخله نوشته و یکی یکی آن اشخاص را معرفی نمودم بالاخره اجازه صادر شد مقصود این است که حالا بنده در اینجا بودم و آنها هم بنده رجوع کردند و پس از چهل روز تحصیل اجازه نمودند.

ولی ملاحظه فرمائید اشخاص دیگری که دسترسی بر کر م ندارند و يك مشکلاتی در پیش دارند در این مواقع چه باید بکنند؟ لذا بنده درخواست می نمایم يك

وسيله فراهم فرمایند که اسباب معطلی و مرارت برای مردم موجود نشود.

رئیس الوزرا - در این باب بنده رسیدگی خواهم نمود ولی آنچه در این خصوص اطلاع دارم مسئله مسئله مهاجرت بود و شنیدم که چند نفر میخواستند از یزد مهاجرت نمایند و يك دلائلی هم برای اینکه اقامه می نمودند و بنده هم برای آسایش حال آنها يك توصیه هایی بحکام نمودم ولی در باب مسافرت هنوز نشنیده ام اجازه خواسته باشند البته قودات بی معنی را باید از میان برداشت ولی از طرف دیگر هم قوانین مطاع و متبع باشد.

رئیس - آقای آفایشخ ابراهیم زنجانی راجع بمسئله مهاجرت خارج سؤالی دارند.

زنجانی - بنده چندی قبل درخواست نموده بودم راجع باینکه از کلبه مستخدمین خارجه که در ایران می باشند صورتی تقدیم مجلس شود و در آنجا کتکات و زمان کتکات و اینکه آیا کتکاتشان منقضی شده یا خیر؟ تعیین شود دیروز يك صورتی ببنده دادند ولی در آنجا هم ذکر از مستخدمینی که در اداره نظام و زاندامری می باشند نشده و فقط يك عده را صورت داده اند و آنهم ناقص می باشد خواستم سؤال نمایم که آیا این اشخاصی که کتکات نشده اند و با کتکات آنها سر آمده چرا در ادارات دولتی پذیرفته شده اند و کی آنها را پذیرفته است و چرا کتکات سایرین را به مجلس نیاورده اند و دولت در این زمینه چه نظریه اتخاذ نمود؟

وزیر مالیه - در موضوع مستخدمین خارجه که در خدمت وزارت مالیه و شعبات آن محل گمرک و غیره می باشند صورتی از آنها تهیه و تقدیم مجلس شده و در موضوع نظامیان هم صورت آن تهیه و تقدیم خواهد شد.

رئیس - آقای حائری زاده در موضوع عملیات خلاف قانون حکومت بندر عباس سؤالی دارند.

حائری زاده - در بندر عباس شخصی هست موسوم بآقا میرزا عبدالعزیز هراتی که نماینده تجاری باشد و مال التجاره که از هندوستان وارد می شود بتوسط او حمل و نقل می شود شخصی در یزد موسوم به حاج شیخ مهدی از میرزا عبدالعزیز هراتی شکایت نمود حکومت بندر عباس هم نمیدانم بچه نظریه بعنوان اینکه احضاریه آمده مشارالیه را دستگیر نموده و اظهار می دارد که باید شما را تحت الحفظ بیزد بفرستم خواستم سوال نمایم که آیا برای اینگونه از مأمورین وزارت داخله که مرتکب این نحو تعدیات و خلاف قانون می شوند مجازاتی مقرر شده است یا خیر و آیا میرزا

عبدالحسین متخلص و تکلیفی برای او معین شده است. باخیر

رئیس الوزراء - در این باب

تلگراف شکایتی بوزارت داخله رسیده بود که میرزا عبدالحسین را مستخلص نمایند و بقیه مستخلص شده است و در باب مجازات حکومت هم اقدامی شده است و نتیجه مرض مجلس خواهد رسید.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو راجع بمیزان قروض سابق دولت ایران بروسه سوالی دارند.

ارباب کیخسرو - سوال بنده

فقط راجع بمیزان قروض نبود بلکه چیزهای دیگری را هم شامل بود و آن این است که مطابق اجازه مبادله عهدنامه ایران و روس که از طرف مجلس داده شده است در آن عهدنامه در عوض حقوقی که دولت ایران داشت از طرف دولت روسیه يك چیزهایی را گذارد دولت بنده خواستم سوال نمایم که آیا میزانی بدست آمده است که آنچه بدولت ایران واگذار شده بالغ بر چه مبلغ می باشد و قرض دولت ایران بدولت سابق روسیه که در این ضمن مستهلك شده است چه مبلغ بود؟

رئیس الوزراء - بوزارت مالیه

دستور داده شده است يك لایحه در این باب تهیه نموده و تقدیم دارد و وزارت خارجه هم در این خصوص تحقیقاتی نموده و رسیدگی کرده است که تا اندازه معین شده است پس از اینکه هر دو لایحه حاضر شد بمجلس تقدیم خواهد شد.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی راجع بسرقتی که در بین یزد و کرمان شده است سوالی دارند.

حاج میرزا مرتضی - البته خاطر

معلم آقای رئیس الوزراء از سرقتی که متوالی در خط یزد و کرمان می شود مسبوق است اخیراً بطوریکه بنده اطلاع رسیده يك عده بلوچ در اطراف و جوانب کرمان آمده و آنچه مردم داشتند بقتل برده اند و اخیراً باز بین راه یزد و کرمان بیست هزار تومان مال التجاره سرقه شده است خواستم از آقای رئیس الوزراء سوال نمایم که آیا ایالت کرمان با گرفتن ماهی هجده هزار تومان بعنوان قراضه سوراخی مسئول این سرقتها است یا خیر؟ اگر مسئول است چرا از این سرقتها جلوگیری نمی نمایند؟ و اموال سرقه شده رامسترد نمیدارند تا بصاحبانش بدهد و اگر هم مسئول نیست خوب است بفرمایند که مسئول این سرقتها کی است و تا چه وقت باید مردم بهین حال باشد.

رئیس الوزراء - کلیه این اطلاعات

تلگرافا بوزارت داخله رسیده است دولت هم حکومت را مسئول این سرقتها میداند.

و به حکومت یزد و کرمان هم تلگرافا احکام لازم صادر شده است که مسئله را تعقیب نموده و برای استرداد اموال مسروقه وسیله فراهم نماید و اخیراً هم چون در یزد قوا کافی نبود بقدر کفایت قوه فرستاده شده است و امیدوارم بعد از رسیدن قوه اسباب امنیت بین یزد و کرمان فراهم آید.

رئیس - آقای سلیمان میرزا راجع به بانک ایران سوالی داشتند.

سلیمان میرزا - مسئله بانک ایران که سابقاً بانک استقراضی رهنی نامیده می شد یکی از مسائلی است که مکرر در اینجا مذاکره شده.

ولی چون راجع به ایداعات مملکت است هر قدر هم این مطلب در این مجلس مکرر شود باز هم آنرا در خود تکرار می بینم سؤال امشب بنده راجع باین است که این بانک از راه خسارات فوق العاده که باین مملکت بدیعت رسیده بما داده شده است و مجاناً و بلا عوض و ترجماً بما واگذار نشده است بلکه شاید بتوان گفت هنوز هزار يك از آن خساراتی که يك هزارم از مملکت ما وارد آمده جبران نشده است در هر حال يك مقدار اشیاء و مطالباتی در مقابل این خسارات فوق العاده باین مملکت واگذار شده است.

یکی از آنها این مؤسسه بانک میباشد و این مؤسسه بایستاری از اشخاص حسابهای زیادی دارد و يك وقتی این مؤسسه از اولین مؤسسه بشمار میرفت و اغلب تجار و متمولین پولهای از آنجا گرفته اند و در عوض املاک خود را رهن گذارده اند.

امروز که این مؤسسه بما واگذار شده

است نمی دانم چه روی داده که آن حسابها در آن موقعی که طرف اجنبی بود رسمیت داشت و برداشته می شد امروز که عسرت مالیه مملکت را همه می دانند و همه در این مسئله متفق الرأی هستند که عسرت بمنتهی درجه رسیده است.

بطوریکه حقوق معلمین چند ماه تاخیر

می شود در درجه دوم و سوم واقع شده است و این مسئله مسکوت عنه گذارده شده خاطر آقایان مسبوق است که این همان بیت المالی است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در موضوع يك قرص نان آن معامله را با برادرش عقیل نموده یعنی موقعی که برادرش يك قرص نان زیادی خواست يك آهنی را در آتش سرخ نمود و نزد يك دست برادر برد و باو فرمود که از يك آتشی که انسان آنرا گرم نموده اینطور ناله میکنی من چطور در موضوع مالیه معلمین نفوذ بالا قصور نمایم و ترسم از آتشی که خدای تعالی روشن کرده است بلی این همان بیت المالی مسلمین است که امروز بار آن بدوش ما و کلا معول شده است و این بار باری است پس گران و بزرگ که ما باید بگوئیم که بوظیفه خودمان راجع بآن

عمل نمایم این است که حقیقه هر وقت صحبت از مالیه می شود مسئله علی علیه السلام و برادرش عقیل در مد نظر مجسم شده و متنازل می شوم که این چه بار سنگینی و چه وظیفه مهمی است که ما بردوش گرفته ایم و چگونه می توانیم در مقابل خدا و خلق یکساعت از مسئولیتش متخلص شویم باین زمینه که عرض کردم این است که بنده از مسئله مالیه مکرر موضوعها را تکرار می کنم شاید موفق شوم وظیفه را که بعهده دارم انجام دهم و از خداوند هم طلب یاری می نمایم بعد از این مقدمه عرض می کنم که مسئله این بانک که راجع بحقوق تمام مسلمانان است نه حقوق یک نفر بنده یا دولت تنها مدتها است در درجه دوم و سوم واقع شده و مسکوت عنه مانده.

در همین مملکت اشخاصی هستند که یکی دو میلیون بهین بانک مقروض میباشد و با این حال در کمال خوبی صاف و ساده و این شهر مشغول میکنند خوج مردم می باشد و این که می گویم میکنند خون مردم برای این است که عقیده دارم هر کس يك قران بدون استحقاق از مالیه مملکت ببرد و یا يك دينار از بیت المال مسلمین را بعنوان تخفیف و غیره بپردازد خون مردم است که میمکد و در پیش خلق و خدا مقصر می باشد و این هم چیزی نیست که با استغفار بخشیده شود بنابراین بنده متعجبم که این اشخاص که مدیون بیت المال مسلمین هستند در چه خیال می باشند و چرا بصاحبان رسیدگی نمی شود؟

این است در این موقع که هیئت دولت هم در اینجا تشریف دارند سوال می نمایم که آیا باین حسابها رسیدگی می شود و این معمای لاینحل و این مسئله جری مشکل را کدام معلم یا محاسب ممکن است حل نماید چندی قبل در روزنامه ها اعلانی از طرف بانک دیدم که هر کس تا مدت معین حاضر شود حسابش را با بانک

تفریغ نماید املاکش توقیف و اشیائی را که در گرو گذارده است طرح خواهد شد باز هم عرض می کنم املاکی را که در بانک گرو گذارده اند ممکن است بدیگران نقل و انتقال داده باشد و امروز هم همینطور به طفره و تملل می گذرد برای اینکه یارک دارند اتومبیل دارند و در جزو فقر محسوب نمی شوند بعقیده من این اشخاص را باید بقوه قانون مقهور کرد و گفت بدارائی و تمول خودتان تنانید و قروض خودتانرا بدهید و با وجود اینکه یکماه متجاوز از تاریخ اعلان می گذرد این اشخاص که خون مردم را میمکنند این زالوهای درشت و این وبا و طاعونهای اجتماعی هنوز حاضر برای تصفیه حساب خودشان نشده اند و بر دامن کبریا پایشان کردی ننشسته است بلی

چه اهمیت می دهند پولی خورده اند و ملکی است برده اند و البته دیگر پس نخواهند داد.

می خواستم سوال کنم در صورتی که مدت اعلان گذشته است آیا دولت و بانک اقدامی در توقیف این املاک فرموده اند و آیا این املاک را توقیف کرده اند یا خیر در این ساعت چقدر از اموال این اشخاص را که حقوق مردم را نیرداخته اند توقیف شده و کی چرخهای این مؤسسه راه خواهد افتاد و ما و کلاه که مسئولیت بزرگ مالیه مملکت بر گردنمان می باشد چه وقت می توانیم بگوئیم تا اندازه ایفای وظیفه نموده ایم و بالاخره چه وقت ممکن است از محاسبات بانک مطلع شویم و باز هم تکرار می کنم چقدر از این املاک توقیف شده؟ و اگر توقیف نشده علت توقیف نشدنش چیست؟

رئیس الوزراء - راجع بتحويل

گرفتن اثنایه بانک چه در مرکز و چه در ولایات اقداماتی شده و انجام گرفته و صورت آن معلوم است ولی چیزی که هست بانک يك مطالباتی دارد و در مقابل يك قروضی هم دارد رئیس بانک در بدو تشکیل کابینه حاضر خواهد کرد يك کمیسیون تشکیل شود که يك اجلاسات معینی در خود بانک داشته باشد و بمحاسبات بانک رسیدگی نمایند لذا کمیسیون در ادارات و وزارتخانه ها معین شده است که مرتباً اجلاساتی دارند و راجع بقروض و مطالبات بانک رسیدگی می نمایند و البته راپورتش هم تقدیم خواهد شد راجع بتوقیف اموال و املاک هم البته بعد از اینکه این کمیسیون راپورت خودش را بر رئیس بانک داد و از رئیس بانک هم بریاست وزراء می فرستند چنانکه چند فقره هم تا بحال رسیده است و برای اتخاذ تصمیمی راجع بآن در هیئت وزراء مطرح بحث می باشد و تصمیمات لازمه اتخاذ خواهد شد.

سلیمان میرزا - بنده باز هم یادآوری می کنم موضوع موضوع مالیه است اگر می خواهند مجلس دووه فقرت نداخته باشد یگانه وسیله آن اصلاح مالیه و بودجه است.

ما اگر می خواهیم بوظیفه خودمان عمل نموده باشیم باید بمالیه و بودجه مملکت اهمیت بدهیم این است که بنده در این موقع از حق خود استفاده نموده و کلامی می کنم که آیا تا بحال بحساب چه اشخاصی رجوع شده است و اشخاصی که بحد از این اعلان برای تسویه حساب خود حاضر نشده اند کدام ملکشان توقیف شده و آیا ممکن است بدانیم تا چند وقت دیگر يك مقداری از این حق مشروع خودمان یعنی وجود بیت المال مسلمین وصول خواهد شد و استعدا میکنم در نهایت صراحت و وضوح بفرمایند

که فلان شخص و فلان آدم و فلان مدیر به بانک مقروض می باشد و فلان مقدارش تا کنون وصول شد و فلان ملک هم توقیف شده است

اگر اینطور ممکن است بفرومائید و الا بطور کلی بنده قانع نمی شوم
رئیس الوزراء - عجلالتا ملکی کسی توقیف نشده است و چنانچه عرض کردم هنوز کمیسیون راپورت خودش را نداده است و بفلاوه بعضی ها هستند که حاضرند محاسبات خود را با بانک تصفیه نمایند و بعضی هم در مقابل فروشی که به بانک دارند می خواهند قبوضی که از بابت مطالبات خود دارند در مقابل فروشی که به بانک دارند محسوب نمایند در این باب رجوع به هیئت وزراء شده و قرار شد قبوض آنها را محسوب دارند ممکن است بعضی هم باشند که حاضر شوند محاسبات خود را تفریغ نمایند به کمیسیون هم دستور داده شد که در این خصوص رسیدگی نموده به هیئت وزراء راپورت دهند البته اگر چنین اشخاص باشند در باب آنها یک تصمیم قطعی اتخاذ خواهد شد ولی فعلا هنوز راپورتی نرسیده است.

رئیس - آقای تدین راجع با آقای تقی زاده سؤالی دارید

تدین - از قراری که از خارج شنیده ام و در بعضی جراید مرکزی هم خوانده ام از طرف دولت با آقای تقی زاده تکلیف شده است که بروسیه بروند و ایشان هم قبول کرده اند نظر باینکه بدو اوقات را قبول کرده اند و این دو شغل با هم منافی است لازمه قبول این مأموریت استعفا از حق نمایندگی خواهد بود و علاوه بر این قبول و عدم قبول ایشان موثر در عمل انتخابات تهران است یعنی اگر اوقات استعفا بدهند و نمایندگی دولت را قبول نکنند یک نفر بدمه منتخبین تهران افزوده خواهد شد و باید اهالی تهران سه نفر را انتخاب نمایند و اگر نمایندگی دولت را قبول نکرده باشند انتخاب دو نفر کافی خواهد بود لافل از آقای رئیس الوزراء سؤال می کنم که این مطلب صحت دارد یا خیر ؟

رئیس الوزراء - بلی آقای تقی زاده بریاست هیئت اعزامیه مسکو برای انعقاد عهدنامه تجارتی و قرارداد یستی و تلگرافی و قرارداد راجع بفونسولگریها و بعضی مطالب دیگر از طرف دولت همین شده اند و اعضا این هیئت هم تعیین شده و همین چند روزه حرکت خواهند کرد
رئیس - آقای مستشار السلطنه در باب اعزام والی بروجرد از آقای رئیس الوزراء سؤالی دارند ؟

مستشار السلطنه - آقای رئیس الوزراء البته توجه فرموده اند اعزام والی بسایر ایالات و ولایات آن اندازه اهمیتی

را که اعزام والی بخرستان و بروجرد باید داخه باشد ندارد برای اینکه موقع رفتن والی بخرستان چنانچه یکماه قبل هم بعرض هیئت دولت رساندم تقریباً یکماه یا چهل روز بعید مانده می باشد و باید والی بخرستان در اوایل حوت در مقرر حکومتش حاضر باشد و مشغول عملیات شود و الا اگر از این موقع بگذرد ممکن است ایلات در مراجعت از قشلاق اسباب زحمت شوند و دولت وقت هم در مجلس تعهد کرده اند که والی معین شده و بزودی بمقر ایالت خودش خواهد رفت و گویا آقای فرمانفرما انتخاب شده اند و از قراری که می شنوم ایشان حاضر برای حرکت نیستند.

اینست که از آقای رئیس الوزراء سؤال می کنم استنکاف آقای فرمانفرما صحیح است یا خیر ؟ و اگر صحیح است برای ایالات بخرستان والی در نظر گرفته اند یا خیر ؟ و برای تسریع اعزام والی چه اقدامی فرموده اند .

رئیس الوزراء - راجع بشاهزاده فرمانفرما همین طور است که مذاکره شد چون از طرف وزارت داخله تأکید شده بود که بمحل مأموریت خود عازم شوند چند روز قبل شاهزاده خودشان به بنده نوشته بودند که بواسطه کسالت شاهزاده نصرت الدوله نمی توانم باین زودی حرکت کنم بهتر این است دولت از رفتن بنده منصرف شود و یک نفر دیگر را بفرستند و وزارت داخله هم در نظر گرفته است که بهمین زودیها والی دیگری بفرستند و بهمین ترتیب اثر داده و والی حرکت خواهد کرد و ضمناً برای اطلاع خاطر آقایان عرض می کنم بموجب تلگرافی که از بخرستان داشتم اردوی دولتی هم فتح کرده است

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا راجع بمحکومت دزدان سؤالی داشتند

محمد هاشم میرزا - به موجب تلگرافی که از تربت برای آقای مؤتمن - السلطنه و خود این بنده رسید جمعی از تجار شاکی هستند که نماینده دولت در دزدان از تجار و مسافران بمنائین مختلفه پول می گیرد و مدعی هستند که تا دوهزار تومان بموجب دفاتر می توانیم معین کنیم که از مردم پول گرفته در این موضوع آیا اطلاع دارند و تحقیقاتی فرموده اند یا خیر ؟

رئیس الوزراء - این تلگراف امشب الان بنده رسیده که شکایت از ارفع الممالک حاکم دزدان کرده اند البته لازم بتحقیقات است بعد از تحقیقات نتیجه را عرض می کنم .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله راجع بمعااهده تجارتی با روسیه سؤالی دارند .

حاج شیخ اسدالله - اگر چه

آقای رئیس الوزراء در ضمن توضیحاتی که نسبت بسؤال یکی از نمایندگان دادند معلوم شد که در نظر گرفته اند برای انعقاد معااهدات تجارتی بین دولت ایران و دولت روسیه عده بمسکو اعزام دارند ولی چون مدتی است بنده این سؤال را کرده ام و حالا می خواهم اطمینان کاملتر و نزدیکتری بدهند که زودترین معااهده منعقد می شود و در ضمن می خواهم آقای رئیس الوزراء و هیئت دولت را که البته از بنده ابصر تر هستند تذکر بدهم و البته می دانند وضعیت اقتصادی و تجاری ایران بچه حال است تقریباً در سال هفتاد کرور واردات زیاد تر از صادرات است و بهمین جهت است که امروز وضع ما ناگوار و سختی در بازار ایران و تجارت مشاهده می شود اگر خدای نکرده این مطلب ادامه پیدا کند یک وضعیت ناگواری پیدا خواهد شد و این مطلب خیلی اسباب نگرانی عموم اهالی این مملکت را فراهم کرده و بفلاوه بیشتر این نزاعها وجدالهائی که امروزه در تمام آن می شود برای خاطر همین مطلب است و هر مملکتی که تجارت او زیاد تر باشد و در دنیا قانع تر و نیرومند تر است و لطمه اقتصادی که باین مملکت وارد شده است برای این است که روابط تجاری ایران با روسیه مدتی است مقطوع شده و یک معااهده تجارتی در بین نیست بفلاوه یک راه تجارتی که برای این مملکت خیلی نافع بود که راه باطوم باشد بواسطه اینکه تکلیف تجارت و ترانزیت ما با دولت هم جوار خودمان معلوم نیست امروزه تجارت ما در حال وقفه است و البته آقای رئیس الوزراء همان قسم که فرمودند در نظر دارند این معااهده بسته شود البته در ضمن معااهده تجارتی حق ترانزیت از دولت روسیه بما واگذار خواهد کرد با این مقدمات از آقای رئیس الوزراء سؤال می کنم تا چند روز یا چند ماه دیگر می توانند با اطمینان بدهند که موفق بانعقاد این عهدنامه می شوند که اسباب امیدواری عمومی را فراهم نمایند

رئیس الوزراء - این کابینه از بدو تشکیل بدو مسأله که راجع بروابط بین ایران و روسیه بود خیلی اهمیت داده است یکی مسئله فرستادن یک هیئتی بمسکو برای انعقاد قرارداد هائی که باید موافق عهد نامه بسته شود از قبیل عهد نامه تجارتی و قرارداد های یستی و تلگرافی و تعرفه گمرکی و قرارداد راجع بفونسولگری ها و بعضی مطالب دیگر یکی هم مسئله راجع بتعهد حدود طرف خراسان است که برای اینکار هم باید یک ممیزی بروند و تعهد حدود بکنند و هر دو این هیئت ها منتخب شده اند ولی اگر تا کنون حرکت نکرده اند بواسطه این بوده است که باید اسباب کارخان مرتب شده باشد

رئیس الوزراء - این کابینه از بدو تشکیل بدو مسأله که راجع بروابط بین ایران و روسیه بود خیلی اهمیت داده است یکی مسئله فرستادن یک هیئتی بمسکو برای انعقاد قرارداد هائی که باید موافق عهد نامه بسته شود از قبیل عهد نامه تجارتی و قرارداد های یستی و تلگرافی و تعرفه گمرکی و قرارداد راجع بفونسولگری ها و بعضی مطالب دیگر یکی هم مسئله راجع بتعهد حدود طرف خراسان است که برای اینکار هم باید یک ممیزی بروند و تعهد حدود بکنند و هر دو این هیئت ها منتخب شده اند ولی اگر تا کنون حرکت نکرده اند بواسطه این بوده است که باید اسباب کارخان مرتب شده باشد

یعنی یک مطالعاتی در این باب باید بشود و یک تحقیقاتی بشود که وقتی بمحل می روند معلوم نمایند و از برای هر چه محتاج بدستور العمل نباشند و عجلالتا در نتیجه این مطالعات یک زمینه هائی تهیه شده است و امیدوارم بزودی این کارها تمام شود که هر دو هیئت بتوانند عازم شوند آقای حاج شیخ اسدالله در ضمن بیانات خودشان مسئله ترانزیت را متذکر شدند در این مسئله هم دولت بهیئت اعزامیه به مسکو دستور العملهای لازمه را خواهد داد که در این مسئله سعی کند که موافق میل دولت ایران تصفیه شود و بنده امیدوارم همانطور که آقایان نمایندگان مایل هستند موافق میل دولت ایران تسویه بشود باین معنی که نه فقط ما حق داشته باشیم مال التجار ایران را بطور ترانزیت بفرنگستان بفرستیم بلکه میتوانیم از فرنگستان هم وارد ایران کنیم و سایر فوق العاده ما در مسکو در این باب هم اقداماتی کرده و وزیر خارجه دولت ساوت هم باو کاغذی نوشتند که مفاد آن کاغذ را تلگراف کرده اند و از مفاد آن کاغذ معلوم میشود که دولت ساوت در این باب همراهی خواهد کرد و در آن کاغذ وعده صریح میدهند که دولت ساوت مانع از آن نخواهد بود که مال التجاره های ممالک غربی از راه روسیه وارد ایران بشود و نیز از طرف دولت هم دستور العمل های لازمه بهیئت اعزامیه داده خواهد شد و امیدوارم این هم در ضمن سایر مسائل تصفیه شود

رئیس - آقای آقا میرزا طاهر تنکابنی راجع بهشریه که از سواحل بحر خزر گرفته میشود از کفیل وزارت مالیه سؤالی دارند .

آقا میرزا طاهر تنکابنی - همه آقایان میدانند که مالیات ایران از قدیم الایام ترتیبی داشتند و کتابچه دستور العمل های مخصوص تا کنون متداول بوده است و ما هم در این ادوار چهار گانه مجلس ندیده ایم مالیات جدیدی وضع شود و یا قانونی در این باب نوشته باشد ولی از قراریکه میشنوم در سواحل بحر خزر و بخصوص در مازندران و کیلان مشربه میکیرند خواستم به بینم این وضع مشربه برای چیست و از روی چه قانونی است با اینکه الان آقای رئیس الوزراء

در خصوص قانون تذکره فرمودند (قانون تذکره جدید را تا مجلس نقص بکنند بحال خود باقی خواهد بود) پس در باب مشربه که اصلاً مجلس قانون جدیدی وضع نکرده است گرفتن مشربه چه معنی دارد علاوه همه آقایان هم میدانند در بلوک مختلفه و کچور کلارستان و تنکابن چیز دیگری نیست در آنجا مالیات نواقل و سوق الدواب و همچنین بعضی مالیات هائی که ماخذ ندارد

گرفته میشود خواستم به بینم آقای وزیر مالیه در این باب اطلاعی دارند یاخیر

وزیر مالیه - مسئله اخذ عشریه در سواحل بحر خزر مثل رشت و مازندران موافق تصویب نامه هیئت دولت بوده است که چند سال قبل صادر شده و چون اخذ عشریه موافق موازین عشریه است صحیح است و از سابق هم که معمول شده وزارت مالیه هم دمان ترتیب سابق را تعقیب مکرده

آقای میرزا طاهر تنکابنی - آقای وزیر مالیه میفرمایند دریافت عشریه بموجب تصویب نامه ای دولت سابق بوده و نیز میفرمایند اخذ عشریه موافق قانون شرع است ولیکن متأسفانه عرض میکنم گویا بنده هم يك قدری فقه خوانده ام و اصول خمس و زکوة را میدانم و تا کنون چنین چیزی نشنیده ام علاوه بر این هر کجا مسئله گرفتن است و صرفه با دولت است قانون مجلس لازم نیست و هر کجا مسئله دادن است آنوقت قانون مجلس لازم است دیگر اینکه در مسئله نوافل نفقه میدم چه جواب فرمودند

رئیس - (خطاب با آقای مستشار السلطنه) راجع بتشکیل مالیه سئوالی مجدداً میخواستند سئوال کنند

مستشار السلطنه - خیر همان سئوال است و مقصود این است که زودتر جواب گفته شود

رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب راجع به مسئله دلالتی در همدان سئوالی دارند

حاج میرزا عبد الوهاب - بنده عرض می کنم که این مالیات دلالتی که متصل بزمایه گداورده می شود در صورتیکه مطابق اصول و دو چهار قانون اساسی وضع مالیات باید بتصویب مجلس باشد چه مالیاتی است و از کی باید بگیرند؟ و چقدر بایست بگیرند؟ همینقدر مبلغ آنرا از ده هزار تومان پنج هزار تومان مینویسد و اگر این طور باشد فردا از هر جا و اداری پنج تومان یا ده تومان خواهند گرفت و علاوه بر این مالیاتی که از دلالت قرار شده است بگیرند دلال يك واسطه است بین تجار و مکاری و باید دلال محل اطمینان باشد آنوقت اگر یکی دوفقر از این دلالها بیایند اجازه کنند و در بین راه مال التجاره مردم از میان برود این دلالها که مفلس هستند و چیزی ندارند تکلیف مردم چه خواهد بود

رئیس الوزراء - در باب کلیه مالیاتها و عوارضی که در ایام فترت برقرار شده است من جمله عوارضی است که در تهران برای بلديه اخذ میشود در جلسه گذشته عرض کردم کمیسیون تشکیلی شده است که در این باب مطالعه کند و پس از آن نتیجه مطالبات آنها به مجلس

خواهد آمد البته هر کدام از آنها را که مجلس صلاح بداند نقض خواهد کرد و دولت هم رأی مجلس را بموقع اجرا خواهد گذاشت ولی اگر فعلاً در باب این عوارض يك اقداماتی بشود یعنی بعضی هارا نقض کنند و بعضی هارا برقرار کنند از يكطرف باعث نکت های بدیهه ها میشود و از طرف دیگر از روی يك اساسی نیست و من عندی خواهد بود بنده تا کید میکنم که زودتر آن کمیسیون مطالعه را تمام و بمجلس تقدیم کند که زودتر نتیجه مطلوبه حاصل شده و يك ترتیب قطعی اتخاذ شود

حاج میرزا عبد الوهاب - بنده فرمایشات آقای رئیس الوزراء را تصدیق میکنم ولی این يك قسمتی است که تا بحال نبوده و تازه می خواهند من عندی برقرار کنند و بر حسب فرمایش آقای رئیس الوزراء خوب است این مسئله متروک بماند تا کمیسیون مطالعه کند و بمجلس بیاید وقتی که مجلس تصویب کرد البته تمام افراد ملت در مقابل رأی مجلس مطیع و متقاند

رئیس - آقای تدین از آقای وزیر عدلیه سئوالی دارند

تدین - سئوال بنده از آقای وزیر عدلیه راجع به چند قریه است که از مستملکات شاهزاده کامران میرزا بوده است و بعد مدیر اسلامی خریده است بنده مطابق اطلاعاتی که دارم و اظهاراتی که مدیر اسلامی می نمودند تصور میکنم اینطور باشد میگویند نسبت باملاك مزبوره بعنوان تامین مدعی به قرار محکمه صادر شده ولی قرار محکمه جریان قانونی پیدا نکرده باین معنی که محکمه قرار تامین مدعی به داده است ولی جریان قانونی خودش را سیر نکرده و بطرف ابلاغ نشده و در صورتیکه حکم محکمه جریان قانونی خودش را سیر نکنند البته نمیشود کسی که يك ملک را در خارج خریده است او را طرف حمله قرار داد و ملک را که خریده و از سابقه آن اطلاع نداشته در تحت توقیف در آورد این است که از آقای وزیر عدلیه سئوال میکنم آیا این اظهاراتی که مدیر اسلامی میکند همین طور است و یا اینکه آن قرار تامین مدعی به که محکمه داده است مراحل قانونی خودش را سیر کرده است؟

وزیر عدلیه - مطلبی که نماینده محترم از بنده سئوال کردند راجع است به يك دعوائی که لابد همه شنیده اید این دعوائی بین کامران میرزا و میرزا علی محمد خان منفرد و تصدیق خواهند فرمود که بالاخره باید این دعوی خاتمه پیدا کند بنابراین بنده بر حسب وظیفه خودم را مکلف دیدم که داخل در ختم این قضیه بشوم قبل از آنکه جواب نماینده محترم را عرض کنم لازم است يك اصلی را بموجب ماده هفتم قانون اصول محاکمات حقوقی

میگوید حکم محکمه راهیچ چیز تغییر نمی دهد جز حکم خود آن محکمه یا محکمه هالی تر تذکر بدیم پس این اصل را در نظر میگیریم بعد داخل در قضیه میشویم پس از آنکه منفرد نسبت بشاهزاده امیر کبیر اقامه دعوا کرده است از طرف محکمه امراراجاع به محضر شرع شده منفرد در بین محاکمه به محکمه اطلاع داده است که امیر کبیر در صدد فروش اموال خودش است و مطابق قانون از محکمه تقاضا کرده است يك قسمت از اموال امیر کبیر را بعنوان تامین مدعی به در تحت توقیف در آورند برای چه برای اینکه پس از ختم محاکمه ضمانت منفرد ثابت بشود محلی باشد که از آن محل حق او داده شود محکمه هم بموجب دو فقره یاد داشت قرار توقیف املاك مفصله ذیل را در مقابل ادهای آقای میرزا علی محمد خان منفرد و معزز الملك بعنوان تامین مدعی به صادر کرده املاك عبارت است از قزل حصار خسرو آباد صبا آباد و سه فقره دیگر و قرار تامین هم باقا شیخ رضا وکیل امیر کبیر ابلاغ شده است و از طرف اداره اجرا هم املاك مزبور در نزد رعایا و مباشرین توقیف شده و توقیف نامه رسمی هم اخذ شده پس بنابراین عملیاتی که مستلزم اجرای حکم محکمه است بعمل آمده علاوه وقتی شنیده شد این املاك را می خواهند بفروشند اعلانی از طرف وزارت عدلیه راجع بتوقیف املاك مزبور و عدم مشروعیت خرید و فروش آنها در روزنامه ایران منتشر شده این مقدمات از طرف وزارت عدلیه بجا آمده و اجرا هم شد و پس از آن آقای امیر کبیر همین املاك توقیف شده را با آقای اسلامی فروخته اند با وجود اینکه مطابق یکی از مواد قانون اصول محاکمات تبدیل آن شئی توقیف شده بچیز دیگر باید برضایت مدعی باشد پس هر نقل و انتقالی که در در این باب واقع بشود البته برخلاف قانون است و این اصل هم مسلم است که توقیف حق مالکیت کسی را سلب نمی کند ولی حق استفاده را موقتاً سلب می کند و تا زمانی که از محکمه و یا محضر شرع حکمی بر علیه مالک صادر نشده به مالکیت خود باقی است ولی حق هیچگونه نقل و انتقالی ندارد بنابراین در چندی قبل به بنده اطلاع دادند املاکی که در تحت توقیف اداره اجرای عدلیه بوده است امیر کبیر برخلاف مقررات قانونی این املاك را فروخته اند و بنده وظیفه غیر از این نداشتم که این املاك را بجال اوایه خودش عودت دهیم یعنی بگویم همانطور که محکمه قرار توقیف این املاك را داده توقیف باشد تا تکلیف محاکمه معین بشود و چون در یکی از مواد قانون اصول محاکمات موردی را معین کرده است که هرگاه صاحب ملک بخواهد ملک

توقیف شده خود را بفروشد میتواند معادل میزان مدعی به در صندوق عدلیه و دیه بگذارد و ملک را از توقیف خارج کرده بفروشد بنده هم برای اینکه کاملاً مراعات قانون را کرده باشم در آن حکم توقیف خودم مقرر داشتم که این املاك توقیف باشد مگر قسمتی را که آقای امیر کبیر اخذ فرموده اند بیاورند بعنوان دیه و در صندوق عدلیه بگذارند یا اگر تمام یا يك قسمتی از قیمت این املاك را آقای اسلامی تادیه نکرده اند ایشان بصندوق عدلیه تادیه به کنند اگر این کار را بکنند املاك از او است والا غیر از این مورد جز اجرای حکم محکمه تکلیف دیگری نداشتم این بود عملیات بنده و در همین زمینه هم بنده حکم دادم

رئیس - رابورت کمیسیون هرايص میماند برای جلسه دیگر این رابورت يك قسمتش راجع بوزیر مالیه و يك قسمتش راجع بوزیر پست و تلگراف است و آقایان وزراء هم باید تشریف داشته باشند که در اول افتتاح جلسه مذاکرات بشود آقای سلیمان میرزا

سلیمان میرزا - همین را خواستم عرض کنم که آقایان وزراء هم تشریف داشته باشند چون بدون حضور آقایان وزراء ماهر مذاکره راجع بتظلمات مردم بکنیم بی فایده است

رئیس - آقای نظام الدوله (اجازه)

نظام الدوله - بنده تجدید سئوال را تقاضا کرده بودم اگر اجازه میفرمائید در تعقیب سئوال آقای تدین عرض کنم

رئیس - بفرمائید

نظام الدوله - شرحی که راجع به آقای اسلامی و آقای امیر کبیر و آقای منفرد مذاکره شد در يك قسمت آن آقای وزیر عدلیه اظهاراتی فرمودند چون بنده هم مسعودانی در این قضیه داشتم میخواستم عرض کنم که يك دعاوی هم از طرف آقای امیر کبیر نسبت بمیرزا علی محمد خان منفرد هست و گویا تقاضا کرده اند محکمه تشکیلی بشود ولی چون این قسمت خارج از موضوع است نمیخواهم سئوال کنم فقط عرض میکنم آیا ملک را که قرار توقیف آن صادر شده هرگاه مالک آن ملک توقیف شده را به فروشد آیا برای فروشنده مجازاتی هست یا اینکه باید ملک دیگری را در تحت سلطه و توقیف بیاورند

وزیر عدلیه - البته همین طور که آقای نظام الدوله اشاره فرمودند بنده صلاحیت داخل شدن در ماهیت دعوی را ندارم و این وظیفه محکمه و حاکم شرعی است که برای ختم دعوی معین شده اند و اینکه

فرمودند آقای امیر کبیر دماوی نسبت به منفرد دارند و تقاضای تشکیل محکمه کرده اند جواباً عرض می کنم که محاکمه عدلیه حاضر است و مطابق مقررات قانون تمام افراد این مملکت حق دارند از محاکمه استفاده کنند و کسی مانع ایشان نبود و ممکن است مراجعه کنند و هر ضعیف بدهند این دو مطلب را چون بطور مقدمه فرمودند بنده هم مجبور بودم بطور مقدمه جواب عرض کنم ولی اینکه فرمودید آیامجازات برای کسی که این املاک را خریده است مقرر شده است یا نه...

نظام الدوله - خریدار را عرض نکردم عرض کردم آیا مجازاتسی برای فروشنده هست؟

وزیر عدلیه - بمقتضای بنده هم برای خریدار و هم برای فروشنده يك مجازات هائی هست و عدم اطلاع از قانون عذر نمی شود و در روی این اصل که باید تمام افراد مطلع از قوانین مملکتی باشند اگر کسی برخلاف قانون رفتار کند و ملك توقیفی را بغیر مجازات آن خریدار همین قدر پس است که ملك را از او بگیرند و مجازات فروشنده هم این است که در زحمت می افتد و عوض اینکه جواب يك طلبکار را بدهد باید دو طلبکار را جواب بدهد

خانه عرض میکنم که فروش این املاک از نقطه نظر خلاف قانون بودنش با موجود بودن مواد صریح قانون هیچ محل تردیدی نیست املاکی را که وزارت عدلیه مطابق قوانین و مطابق احکام شرع توقیف میکنند باید محکم محکمه را معترن شمرد

آقا سید یعقوب - توقیف مطابق قانون شرع نیست

وزیر عدلیه - اگر وزارت عدلیه املاکی را برای اینکه کلاه دیگری از سرش برداشته نشود توقیف میکند البته نباید بگذارد آن املاک را بفروشد و باید بمردم فهماند که هر کس آن املاک توقیف شده را خریداری نماید آن معامله منزلزل است و اگر غیر از این باشد تأمین مدعی به معنی ندارد منطوق ندارد وقتی که من می خواهم مطابق قوانین مملکتی در عوض طلب خودم تقاضای توقیف کلی را بکنم باید آن توقیف معترن شمرده شود هر کس برخلاف قانون رفتار کند باید مجازات شود.

نظام الدوله - چون فرمودند عقیده خودشان را اجرای قانون قرار داده اند و شخصاً هیچوقت يك عقیده را اظهار نمیکند جواباً عرض می کنم اجرای همین قانون جزا هم معترن است برای اینکه بر طبق فرمایش خودشان بعضی اینکه يك ملكی را که از محکمه قرار توقیف صادر شده و صاحب ملك ابلاغ شده اگر مالك

آن را بفروشد يك مجازاتی برای آن شخص هست و نمی شود گفت قوانین جاریه مملکت را نسبت بغیر باید مشمول داشت زیرا این مثل قضیه آن کسی است که بگویند ما تو را از بالای بلندی پائین می اندازیم تا عبرت سایرین بشود خوب است خودش را بیندازد و بمقتضای بنده کمان نمیکند توقیف ملك غیر برای دیگری مورد داشته باشد

وزیر عدلیه - گرچه در سؤال جواب فقط عقیده يك نفر از نمایندگان معترن معلوم می شود و آن عقیده حاکی از افکار مجلس نیست باین ملاحظه بنده هم این فرمایش اخیر آقای نظام الدوله را فقط بعنوان عقیده شخصی ایشان تلقی میکنم ولی خیال می کنم برعکس است وقتی که قانون تأمین مدعی بمیده و محکمه هم بر طبق قانون قرار توقیف ملكی را صادر می کند هر معامله که در اطراف آن بشود برخلاف قانون است بنابراین صدور حکم توقیف از طرف بنده مطابق مقررات قانون است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب هم سؤالی دارند

آقا سید یعقوب - در همین مسئله بنده ناچارم حکم شریعت را اظهار کنم.

رئیس - پس بطور سؤال بفرمائید **آقا سید یعقوب** - در مجلس شورای ملی در جائیکه ما هستیم و مسائل شرعی خوانده ایم

رئیس - بطور سؤال بفرمائید

آقا سید یعقوب - همین را می خواهم عرض کنم که توقیف سلب مالکیت نمیکند و هیچ چیز غیر از آنچه در قوانین شرع است سلب مالکیت نمی تواند بکند مگر بمیل خود مالك چنانچه در قرآن است لا تجارة من تراضا اگر محکمه مطابق قانون شرع حکم داد آنوقت ما هم می توانیم بگوئیم صحیح است.

ولی توقیف کجا سلب مالکیت کرده است که وزیر می گوید من می خواهم سلب مالکیت بکنم و اینکه می فرمایند بر حسب قانون جزای عرفی باید مجازات شود قانون جزای عرفی هیچوقت اجرا نمیشود در زمان فترت وجهالت وضع شده است بر فرض هم که آقایان عمل کنند سیاست را نسبت بفروشنده بیاورد نه نسبت بخریدار و تا حکمی بر علیه فروشنده صادر نشده باشد نمی شود او را مسبب الاختیار نمود.

رئیس - توصیه می کنم وقتی سؤال می کنید بطور سؤال باشد

وزیر عدلیه - بنده همین طور که آقای رئیس فرمودند بدقت فرمایشات

آقای وکیل معترن را گوش دادم ولی از آنجائی که از بنده سؤال کردم نفهمیدم کی بود بالاخره میدانم بچه جواب بدهم؟ ایشان يك چیزی بمقتضای خودشان فرمودند ممکن است بنده این عقیده را داشته باشم یا نداشته باشم باوجود اینکه با طرز سؤال نماینده معترن من مکلف بجواب نیستم ولی جواب عرض می کنم نمی دانم ایشان از چه نقطه نظری قانون جزای عرفی را در بین آوردند در صورتی که اینجا هیچ اسم قانون جزای عرفی برده نشد من گفتم قانون اصول معاکمات حقوقی فرق است ما بین اصول معاکمات حقوقی و قانون جزای عرفی اما اینکه فرمودند شرعاً توقیف سلب مالکیت نمی کند بنده خودم میدانم اساساً آن شخص مالك است ولی مادامی که معاکمه خاتمه نیافته نمی تواند آن شئی یا ملك توقیف شده را بمصرف فروش برساند و اساس مالکیت خود را بدیگری انتقال دهد ولی هر گونه تصرفاتی میتواند بکند می تواند محصولش را ببرد گندمش را حمل کند پس اگر مالك این حق را هم یعنی حق فروش ملك توقیف شده را هم داشته باشد تأمین مدعی به چه معنی دارد؟ فرض بفرمائید من امروز مدعی هستم و اطمینان دارم که در ضمن جریان معاکمه مدعی علیه دارائی خودش را از دست میدهد و پس از زحمات زیاد و خاتمه معاکمه و صدور حکم يك ورقه بالا بلند افلاس جلوی من خواهد گذاشت در اینصورت جز تقاضای تأمین مدعی به کار دیگری می توانم بکنم پس مدعی حق دارد که برای ادعای خودش تقاضای تأمین بکند وقتی که شما قائل شدید که مدعی این حق را دارد که از اموال منقول و غیر منقول مدعی علیه تأمین مدعی به بخواهد در اینصورت مدعی علیه حق ندارد از يك قسمت حق مالکیت خودش یعنی نقل و انتقال بدیگری استفاده نماید و اگر غیر از این باشد بچه وسیله می شود طلب های مردم را تأمین کرد در اینصورت توقیف اموال منقول و غیر منقول بعنوان تأمین مدعی به چه معنی دارد؟ بنا براین بنده باز هم تکرار می کنم که بنده فقط و فقط مجری قانون هستم

آقا سید یعقوب - بنده هم فقط فرض این بود که بشما خاطر نشان کنم که توقیف سلب مالکیت نمیکند

رئیس - جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت بفروب مانده دستور اول را بپورت که بیرون عریض راجع ببیشنهاد وزیر مالیه نسبت بیهضی مستمریات

شیخ الاسلام - در آن جلسه وعده فرمودید پیشنهاد راجع بگزارون که طبع شده برای روز سه شنبه جزو دستور می شود

رئیس - پیشنهاد العاق آب کارون

بزاینده رود هم جزو دستور میشود **ارباب کیه خسرو** - پیشنهادی که کرده بودم خوشبختانه چهل نفر از آقایان هم امضاء کرده بودند و فرمودند در جلسه آتی برای می گیریم استعدا میکنم آنهم جزو دستور باشد **رئیس** - این حتمی است چون گفته شده بود جزو دستور است تکرار نشد.

رئیس الوزراء - لایحه تشکیلات وزارت داخله است چون وزارت داخله يك تشکیلاتی که از مجلس شورای ملی گذشته باشد نداشت باین واسطه گاهی يك تغییراتی در وزارت داخله داده میشد که فی الواقع اسباب سوء جریان امور میشد برای اینکه از تعبیرات مصون بماند و يك ترتیب اساسی پیدا کند این لایحه که راجع بتشکیلات مرکزی و تشکیلات حکومتی است ببیشنهاد می شود و بنده توجهات آقایان نمایندگان را باین لایحه معطوف میدارم که توجهی بفرمایند که زود تر بگذرد

(تسلیم آقای رئیس نمودند)
(مجلس لاسه ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۷۹

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیست و سوم حوت ۱۳۰۰ مطابق چهار دهم رجب ۱۳۴۰
مجلس دوساعت قبل از غروب برپاست آقای مونتین الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم شنبه بیست و سوم حوت را آقای سهام السلطان قرائت نمودند

رئیس - ایرادی نسبت بصورت مجلس هست یا نه (گفته شد خیر)

رئیس - بصورت مجلس تصویب شد لایحه الحاقیه آب کارون بزاینده رود مطرح است شور دوم است

(آقای سهام السلطان ماده اول را به شرح ذیل قرائت نمودند)

مجلس شورای ملی برای تهیه وسایل الحاق آب گوه رنگ بزاینده رود مبلغ سیصد هزار تومان بوزارت فواید عامه اعتبار می دهد

رئیس - آقای ارباب کیه خسرو (اجازه)

ارباب کیه خسرو - بنده قبلاً عرض می کنم مثل آن دفعه سوء تعبیر نشود که بنده مغالط با اساس این امر هستم خیر بنده کمال موافقت را دارم ولی آن چه که عرض می کنم راجع به بی اساس این لایحه است بنده از شور اول ملاحظه داشتم بر طبق آن هم پیشنهادی دادم که اگر مبلغ نشود برای اینکه بموجب اظهارات خود آقای وزیر فواید عامه و مخیر معترن و بیانات آقایانی که از این لایحه دفاع می کردند معلوم شد که هنوز مهندسی